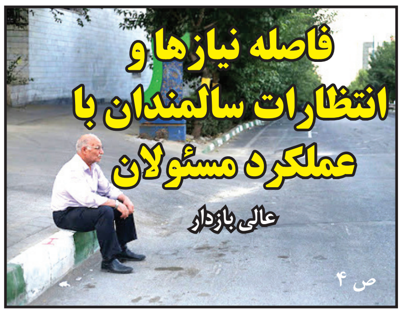
نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و چهارم – شماره ۹۷۵ چهارشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۰
۸ صفحه – ۱۰۰۰ تومان



جنگ جنگِ بقاست ؛ عشق را در پستوی خَانه نهان باید کرد

دکتر سجاد بهزادی: رئیس جمهور در سفری که تازگی به استان بوشهر داشته از بی آبی سخن گفته است. "از صبح که وارد بوشهر شدیم؛ همه جا روضه آب و فریاد آب بوده است..." یک معنی سخن رئیس جمهور اینست که مردم هنوز برای بقا و زنده ماندن خود در تقلای ابتدایی ترین نیاز یک زندگی معمولی هستند و آن را فریاد می زنند... صفحه ۲

اولویت های توسعه پایدار استان بوشهر

ص ۲



رئیسی در سفر به بوشهر :

مشکلات استان بوشهر قابل حل است



تصویب ۹۴ طرح حاصل سفر رئیس جمهور به بوشهر

ص ۲



افول تدریجی بوشهر و مهاجرت تجار، با اتصال راه آهن سراسری به خوزستان

دکتر حمید اسدپور

ص ۳

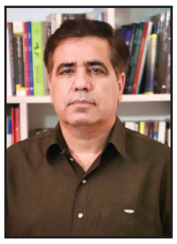
نامه انجمن اسلامی معلمان استان بوشهر خطاب به رئیس جمهور:

معلمان کشور خواستار اقداماتی جدی و عملی برای رفع مشکلات خود هستند

ص ۶

سلامی و کلامی... یونس قیصی زاده

سفرهای استانی؛ فرصتی برای حس کردن مشکلات مردم



سفر رئیس‌جمهور به بوشهر و دیگر مناطق کشور را از این بابت باید به فال نیک گرفت که این فرصت را به مسئولان ارشد کشوری – از جمله رئیسی که تا قبل از این در کار اجرایی کشور نبوده– می‌دهد که از نزدیک با آن چه این سال‌ها دارد بر سر مردم می‌آید، از نزدیک و به صورت عینی و ملموس آشنا شده و شاید این مسائل در تصمیم‌گیری‌های کلان، با دوری از شعارها و برنامه‌های غیر واقعی، تاثیری داشته باشد و مسئولان ارشد را به سمت تصمیم‌گیری‌های اساسی درباره مسائل و مشکلات کشور بکشاند تا این‌چنین از اسب سرکشی که همه این سال‌ها کشور را به بیابان مشکلات کشانده، پیاده شوند و در کنار مردمی که هر روزشان از دیروز سخت‌تر شده، قدم بزنند و خروارخروار آواری را که بر سر آنها ریخته شده، ببینند و به سمت برداشتن آنها و اتخاذ تصمیم‌های کلان و راهگشا در زمینه سیاست خارجی و اقتصادی و سیاسی و معیشتی گام بردارند.

ضمن این‌که نه در خزانه کشور پولی باقی مانده که رئیسی بخواهد در سفرهای استانی، بودجه کافی برای گشودن مشکلی از انبوه مشکلات عمرانی استان‌ها اختصاص دهد، و نه مردم، دیگر برای استقبال‌های باشکوه که مانور حمایت‌های مردمی بود، دل و دماغی دارند.

حقیقت این‌که با این وضعیت اسفباری که به طور مرتب خبر از کوچک شدن سفره مردم و بزرگ شدن جمعیت زیر خط فقر منتشر می‌شود، با ادامه‌ی روند سیاست‌های فعلی بوی خوشی از اوضاع به مشام نمی‌رسد.

امروز دیگر مردم به دنبال مطالبات سیاسی، معترض رئیس‌جمهور و هیات دولت و دیگر مسئولان نیستند، بلکه به خاطر حفظ حداقل معیشت زندگی خود، هنگام پیاده شدن رئیس‌جمهور از هواپیما، مستاصل از همه‌جا جلوی فرودگاه تظاهرات برپا می‌کنند و یا در جاده‌ای دورافتاده، ساکنان جان به لب رسیده یک روستا، به تظلم‌خواهی راه را بر ماشین وی می‌بندند.

اینان نه مزدور دشمن‌اند و نه سرسپرده غرب و نه نفوذی آمریکا و نه ضد انقلاب برانداز؛ این‌ها مردمان عادی هستند که هر جا هم نیاز بوده پای این کشور ایستاده‌اند و اکنون نیز سودایی جز آبادی ایران عزیز و خروج از این وضعیت وخیم معیشتی ندارند.

چه بخواهند قبول کنند و چه حاشا، تحریم‌های کمرشکن همه این سال‌ها، جسم کشور را نحیف و روحیه مردم را تضعیف کرده است. اما خبر خوب این‌که راه حل خلاصی از این تحریم‌ها نیز وجود دارد و دولت جدید با برگشت به برجام، می‌تواند نفسی تازه به کالبد نیمه‌جان مملکت بدمد و انرژی جدیدی به کشور تزریق کند و با برداشتن تحریم‌ها و فراهم کردن زمینه سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال و رونق تولیدات و به کار انداختن صنایع و... تکانی نیز در وضعیت معیشتی مردم ایجاد کرده و مهلت داد تا نفسی بخورند و لحظاتی به آرامش برسند.

اعتراض جمعی از مردم در سفر رئیسی به بوشهر



تعدادی از اهالی محله تنگک شهر بوشهر در قسمت ورودی فرودگاه بین المللی این شهر حاضر شده بودند تا بلکه رییس جمهوری را ببینند و وی را در جریان مشکلات محله قدیمی شان قرار دهند.
تعدادی از اهالی این منطقه به امید رفع مشکلات عدیده محله شان سرراه رئیس جمهور حاضر شدند تا شاید با وی دیدار و درد و دل کنند. شبکه فاضلاب در این منطقه وجود ندارد و آبهای سطحی نیز بصورت غیراصولی دفع می شود و پساب کارگاه های مختلف صنعتی و خدماتی در این منطقه رها و سلامت ساکنین را به خطر انداخته است.
بنرهایی در دست اهالی این منطقه که خود را به مسیر عبور احتمالی خودرو رئیس جمهور رسانده بودند وجود داشت که خواسته هایشان بر آن نقش بسته بود. بسیاری از اهالی تنگک خواستار تعیین تکلیف وضعیت ساخت و سازهای این منطقه و ایجاد زیرساخت ها و امکاناتی ازجمله فضاهای آموزشی ، ،مدرسه،بانک، آب ،برق و گازرسانی به منازل مسکونی خود بودند. نظارت بر تخریب ساخت و سازهای غیرمجاز از دیگر درخواست های اهالی این منطقه بود. ساکنین تنگک به دلیل عدم هماهنگی و عبور خودرو حامل رییس جمهوری از سمت دیگری از فرودگاه موفق به دیدار با رئیسی نشدند.

رئیسی در سفر به بوشهر :
مشکلات استان بوشهر قابل حل است



رئیس جمهوری گفت: پیشرفت ۲۰ درصدی پروژه راه‌آهن شیراز - بوشهر- عسلویه پس از ۱۴ سال، قابل توجیه نیست چرا که تاخیر در اجرای پروژه‌ها موجب اتلاف منابع و فرسودگی تجهیزات می‌شود.
به گزارش ایرنا، آیت الله دکتر سید ابراهیم رئیسی در سفر یکروزه خود به استان بوشهر در بازدید از پروژه راه آهن شیراز - بوشهر - عسلویه با اشاره به اینکه اتصال به خطوط راه آهن از مطالبات اساسی مردم استان بوشهر است افزود: مصمم هستیم در تکمیل و راه‌اندازی پروژه خط آهن شیراز- بوشهر- عسلویه شتاب ایجاد کنیم.
رئیس جمهوری گفت: تاخیر در اجرای پروژه‌ها موجب اتلاف منابع و فرسودگی تجهیزات می‌شود لذا باید برای اتمام پروژه‌ها همت جدی وجود داشته باشد و اعتبارات این پروژه حتما در بودجه سال آینده گنجانده شود.

تصویب ۹۴ طرح، حاصل سفر رئیس جمهور به بوشهر

در سفر رئیس جمهور به استان بوشهر ۹۴ طرح در حوزه‌های گاز، نفت و پتروشیمی، کشاورزی، اقتصاد دریا و اقتصاد گردشگری به تصویب رسید.
به گزارش ایسنا، رئیس جمهور در پایان سفر یک روزه خود به استان بوشهر در جمع خبرنگاران اظهار کرد: باید در حوزه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی فعالیت‌های پایین دستی انجام گیرد تا هم اشتغال ایجاد کند و هم ارزش افزوده.
حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی افزود: در صنایع نفت و گاز مستقر در استان بومی گزینی در اولویت است چرا که وقتی نیروی بومی جوان، تحصیل کرده و آماده به کار در این استان وجود دارد باید از این ظرفیت استفاده شود.
- در بخش کشاورزی به ویژه در حوزه نخیلات باید اقداماتی صورت بگیرد تا مشکلات موجود رفع شود و استان بوشهر در این زمینه به قطب اول کشور تبدیل شود. از این رو با اختصاص ۱۵۰ میلیارد تومان می‌توان حدود ۶۰تا۷۰ درصد مشکلات آب حوزه کشاورزی را حل کرد.
-مسئله آب بوشهر با اهمیت و جزو ضرورت‌هاست و ما در این سفر تلاش کردیم از دو کانال این مسئله را حل کنیم. یکی از طریق نیروگاه اتمی مقرر شده است حدود ۷۰هزارمترمکعب مورد نیاز این استان تامین شود و دیگری با تامین آب‌شیرین کن‌ها بقیه نیاز مرتفع شود.
- برق مسئله دیگری‌ست که در جلسات این سفر مورد بحث و بررسی قرار گرفت، در حال حاضر ۱۰۰۰مگاوات برق در نیروگاه اتمی بوشهر تولید می‌شود که با برنامه‌ریزی این ظرفیت به سه برابر افزایش خواهد یافت.
-متاسفانه در سال‌های اخیر پروژه راه‌آهن بوشهر تنها ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. مقرر شد با اختصاص بودجه از سه کانال فاینانس، تهاتر و منابع موجود مشکل راه‌آهن بوشهر حل شود تا از بن‌بستی که در آن قرار گرفته است خارج شود.
- ۱۵۰۰ هکتار از اراضی این استان بوشهر برای احداث حوضچه‌های میگو در نظر گرفته شده است که آماده واگذاری به جوانان مستعد و جویای کار استان است.

اولویت های توسعه پایدار استان بوشهر


دکتر پرویز حاجیانی

قبل از هر چیز باید اشاره کنم که: نخست: مهمترین عامل توسعه، سرمایه انسانی است. (نقش آموزش و پرورش و دانشگاه در توسعه بی بدیل است).
دوم: توسعه بوشهر دریا پایه است. سوم: هر پروژه ای با بالاترین بازده اقتصادی اگر به تخریب محیط زیست بیانجامد، نباید اجرا شود.
چهارم: مهمترین سندی که در سال های اخیر در استان تدوین شده و می تواند مبنا و بالادستی همه اسناد برنامه ریزی کوتاه، میان و بلند مدت استان باشد، سند آمایش سرزمین است. این سند با مقداری کار می تواند به یک سند عملیاتی و اجرایی تبدیل شود.
با عنایت به موارد فوق و مطالعات آمایش استان، اولویت های زیر را در راستای توسعه همه جانبه و پایدار استان می توان لیست کرد.

*** حفاظت از محیط زیست:**
۱- مدیریت کاهش آلودگی های تاسیسات نفتی و گازی بالاخص در پارس جنوبی
۲- مدیریت کاهش سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی در بخش کشاورزی
۳-مدیریت و کاهش برداشت از آب های زیر زمینی
۴- تقویت سفره های زیر زمینی از طریق آبخیزداری و آبخوان داری و مدیریت آبهای سطحی و گسترش و حفظ پوشش گیاهی
۵- توسعه پارک ها و مناطق حفاظت شده گیاهی و جانوری استان.

*** زیر ساختی:**
۱- مدیریت منابع آب (سرمایه گذاری و توسعه برداشت آب از دریا، مخصوصا به وسیله بخش خصوصی، شیرین کردن آب دریا؛ ۲-مدیریت مصرف آب در بخش کشاورزی(۹۰ درصد آب شیرین استان در بخش کشاورزی مصرف می شود و متاسفانه پرتی آب به حدود ۶۰ درصد نیز می رسد).
۳- حوزه راه (احداث آزاد راه بوشهر- شیراز؛ ایجاد خط ریلی و اتصال به راه آهن سراسری)
۴- تقویت و توسعه زیر ساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات

*** اجتماعی:**
۱- عدالت در توزیع منابع، امکانات و تجهیزات بهداشت و سلامت، ورزشی و آموزشی بین شهرستان های استان و تخصصی شدن هر شهرستان متناسب با مزیت ها مثلا در حوزه بهداشت هر شهرستان در یکی از خدمات بهداشتی تخصصی شود.

*** فرهنگی:**
۱- تمرکز بر زبان فارسی و گویش های بومی.
۲-حمایت از هنر جنوب و موسیقی و صنایع دستی بومی.
۳-توجه و صیانت از خلیج فارس.

*** اقتصادی:**
۱- بهبود فضای کسب و کار و تسهیل سرمایه گذاری در استان.
۲- کمک و حمایت از بنگاه ها و کسب و کارهای متوسط و کوچک بالاخص در نوسازی ماشین آلات و تامین سرمایه در گردش(مطمئناتوجه‌به‌بند۲و۳منجربه‌اشتغال پایدارو کاهش‌بیکاری‌زیربنایی‌میشود).
۳-تمرکز بر توسعه گردشگری طبیعی، دریایی و ساحلی.
۴- گسترش صنایع دریایی(صنعت پرورش آبزیان و میگو، زیست فناوری،کشتی و سازه های دریایی و ...)
۵- تجمیع منطقه ویژه اقتصادی در منطقه آزاد (با توجه به نیاز منطقه آزاد به منابع مالی فراوان و با توجه به شکست مناطق آزاد در کشور، به منطقه آزاد بوشهر به عنوان یک پروژه بلند مدت نگریسته و به راه های دیگر، غیر از منابع محدود استانی برای ایجاد زیرساخت های منطقه آزاد اهتمام ورزد).
۶-افزایش سهم درامدهای مالیاتی استان از طریق اخذ مالیات از شرکت های نفتی و گازی درون استانی.
۷-تعامل با نفت از طریق تشکیل کمیسیون تعامل و تلاش جهت تصویب این کمیسیون در اسناد بالادستی.
۸- الزام شرکت های نفتی و گازی صرفا جهت ایفای نقش مسئولیت اجتماعی و کاهش آثار زیانبار اقتصادی، اجتماعی و زیستی حضورشان در استان.
۹-اولویت دادن به اقتصاد دانش بنیان و نوآوری و کارآفرینی و نقش بی بدیل دانشگاه ها و پارک های علم و فناوری در این عرصه.
*بدون شک پرداختن به اولویت های بالا نیاز به برنامه ریزی، تامین منابع مالی و مدیریت توانمند اجرایی است.
*جا دارد در پایان اشاره کنم که به دلایل متعدد سه محور زیر را زیر بنا و اولویت یک توسعه پایدار استان می دانم.
نخست: سرمایه گذاری در حوزه آب و بخصوص شیرین کردن آب دریا.
دوم: حفظ محیط زیست استان و کاهش آلودگی های تاسیسات نفت و گازی.
سوم: احداث آزاد راه بوشهر به شیراز.

جنگ جنگ بقاست ؛ عشق را در پستوی خَانه نهان باید کرد


دکتر سجاد بهزادی

رئیس جمهور در سفری که تازگی به استان بوشهر داشته از بی آبی سخن گفته است. "از صبح که وارد بوشهر شدیم؛ همه جا روضه آب و فریاد آب بوده است..."
یک معنی سخن رئیس جمهور اینست که مردم هنوز برای بقا و زنده ماندن خود در تقلای ابتدایی ترین نیاز یک زندگی معمولی هستند و آن را فریاد می زنند.از طرفی آمارها بیان گر آن است که بحران آب فقط مخصوص استان بوشهر هم نیست و تقریبا کل کشور را فرا گرفته است.
جامعه ایران بر اساس هرم سلسله‌مراتب نیازهای مازلو، همچنان در نیازهای فیزیولوژیکی خود مانده است و طبقات زیادی از جامعه روزانه فریاد آب و نان دارند.
کاش روزی برسد که رئیس جمهورها هر کجا که می رفتند فریاد؛ فریاد عشق و آزادی بود.دو پله بالاتر بر اساس نیازهای زندگی در هرم مازلو. اماکشور بر اساس آمارهایی که ارائه می شود، در دیگر سلسله مراتب نیازهای مازلو هم وضعیت خوبی ندارد. امنیت شغلی نیست و بیکاری هم به بالاترین میزان خود رسیده است و نیازها و مطالبات بسیاری نیز بر زمین مانده است؛ اما مادامی که آب نیست و همه جا "روضه وفریاد آب" باشد، دیگر نیازهای یک زندگی ساده مانند عشق و تعلق (دوستی)، نیاز به احترام و خودشکوفایی چه معنا ومفهومی دارد؟
داستان همان داستان معروف "توپچی و ناصرالدین شاه" است. معروف است که در دوره ناصرالدین شاه قاجار شبی از شب‌های ماه رمضان توپچی از شلیک توپ سحر خودداری کرد. امیر توپخانه او را احضار کرد و با خشم از او پرسید: چرا توپ در نکردی؟ توپچی با خونسردی پاسخ داد: قربان به هزار و یک دلیل! اول این که باروت نداشتیم. امیر توپخانه فوری حرفش را قطع کرد و گفت: همین یک دلیل کافی است.
از نظریه مازلو که بگذریم نیازهای اساسی انسان در دیدگاه تئوری هم نشان می دهد که جامعه ایران همچنان برای بقا و زنده ماندن در تقلا است و تا رسیدن به آزادی و عشق و لذت، فاصله ها زیاد است. بقا/ قدرت/ عشق و تعلق خاطر/ آزادی /تفریح و لذت؛ نیازهای اساسی انسان از دیدگاه تئوری را نشان می دهد. وقتی بی آبی باشد امنیت غذایی هم به خطر می افتد و این یعنی این که یک ملت طی سال های طولانی در نخستین نیاز زندگی خود درجا خواهد زد. واقعیت آن است که در حال حاضر، ایران جزو کشورهای دارای تنش آبی شدید بوده و اکنون با بحران آب دست و پنجه نرم می کند. کشور نمی تواند با این بحران، شعار توسعه پایدار دهد در حالی که فقر و بی آبی در بیشتر استان های کشور بیداد می کند.
این فرهنگ که همه جا فریاد بی آبی و فقر و اشتغال باشد به آن معناست که ما نه تنها تا رسیدن به توسعه پایدار فاصله زیادی داریم بلکه تنش های بیش تری در راه است.
معاون وزیر کشور و رئیس سازمان مدیریت بحران به تازگی گفته است "سه هزار و ۲۲۰ میلیارد تومان اعتبار برای کاهش تنش آبی ناشی از کمبود بارش ها و خشک سالی پیش رو در کشور اختصاص یافته است." اما به نظر می رسد این رقم حتی در صورت تامین و اجرای دقیق برنامه های مرتبط با آن، باز هم قطره ای باشد مقابل دریا.
در حالی که رفاه شهروندی در بسیاری از کشورهای جهان از دغدغه های ابتدایی و نیازهای فیزیولوژیکی خود عبور کرده است، کشورهایی مانند ایران همچنان برای بقا خود و به واسطه بی آبی در تعارضات وتنش های شدید اجتماعی و اقتصادی در جنگ اند. طبیعی است که تا عبور از این مرحله به قول احمد شاملو "عشق را در پستوی خانه نهان باید کرد."

موانع تاریخی توسعه بوشهر در دوران معاصر(۵)

افول تدریجی بوشهر و مهاجرت تجار، با اتصال راه آهن سراسری به خوزستان



دکتر حمید اسدپور

۴-قاچاق: ریشه های تاریخی قاچاق در کرانه ها و پس کرانه های خلیج فارس به قرن نوزدهم میلادی برمی گردد. البته این بدان معنا نیست که پیش از آن قاچاق وجود نداشته بلکه بدین معناست که سازمان یافته و چنین گسترده نبوده است. ظهور قاچاق و گسترش آن، پیش از هر عامل دیگری نتیجه مداخلات، سیاستگذاری و برنامه های دولتها در امور اقتصادی و سیاسی و نیز اجتماعی است.

فقدان برنامه های جامع و کاربردی برای اشتغال مردم از یکسو و قوانین و مقررات تجاری، گمرکی و اقتصادی متفاوت ازسوی دیگر در کنار سود سرشار برخی از فعالیت های مخرب اقتصادی، عملا به ظهور قاچاق منجر می شود. برای نمونه، تصویب و اجرای قانون انحصار تجارت در دولت پهلوی اول هرچند به افزایش درآمدهای دولت مرکزی انجامید ولی زمینه های گسترده و مناسبی را برای گسترش قاچاق در بنادر و کرانه های خلیج فارس در دهه های نخستین قرن جاری خورشیدی فراهم نمود. قوانین گمرکی و تعرفه های نامعقول آن همواره یکی از بسترهای مناسب جهت رواج قاچاق به شمار آمده است. اقتصاد مبتنی بر قاچاق که بخش غیررسمی ولی مهمی از اقتصاد بومی را تشکیل می دهد، سهم فراوانی را در چرخه مالی محلی برعهده دارد و این خود یکی از موانع ساختاری توسعه بشمار می رود. با صرف نظر از این که زمینه ها و عوامل ایجاد و رواج قاچاق چیستند می توان این نکته را به وضوح بیان نمود که قاچاق مانع توسعه بوشهر شده و خود محصول توسعه نیافتگی است.

۵-خروج نخبگان و عدم ماندگاری آنان: این فقره تنها مربوط به شهرستان بوشهر نشده و دامنگیر تمام نقاط استان بوشهر است. بر طبق یک سنت نانوشته ولی موجود، نخبگان و سرآمدان بوشهری اعم از سرآمدان علمی، اداری، سیاسی، اقتصادی و تجاری، اجتماعی و فرهنگی بنا به علل گوناگون از بوشهر مهاجرت می نمایند و درصد اندکی تمایل بر ماندگاری دارند. تهران، شیراز، اصفهان و حتی اهواز و خرمشهر در راس مراکز و نقاطی هستند که به محل جذب نخبگان بوشهری تبدیل شده اند.

به این نقاط و مراکز می توان خارج از کشور را نیز اضافه نمود. علل گوناگونی برای مهاجرت نخبگان بوشهری و عدم جذب آنان قابل طرح و مطالعه است که از آن میان می توان به فقدان شرایط و زمینه های استاندارد زندگی شهری و کمبود خدمات و امکانات مدرن شهری همچون مراکز آموزشی و بهداشتی مدرن اشاره نمود. برطبق برآوردها روزانه بیش از دویست نفر بوشهری از سراسر استان برای درافت خدمات پزشکی به شیراز مراجعه می کنند. شهر بوشهر دارای شش بیمارستان است که پنج بیمارستان آن متعلق به سازمانها و دستگاههای دولتی و نظامی است و تنها یک بیمارستان در اختیار عموم قراردارد که آن هم بیمارستان جامعی نیست. شرایط نامساعد آب وهوایی، راه های مواصلاتی نامناسب، فقدان نظام آموزش و پرورش کارآمد، فقدان مدارس مناسب و نیز فقدان مراکز رفاهی و تفریحی لازم و امکانات اندک شهری از جمله زمینه هایی هستند که باعث می شوند نخبگان بوشهری تصمیم به مهاجرت بگیرند. برای نمونه می توان به این نکته اشاره کرد که آموزش و پرورش استان بوشهر در بین استانهای کشور از حیث کیفیت آموزش و امکانات جزو سازمانهای پیشرو و برخوردار نیست و این موضوع و پیامدهای آن نقش مهمی در جذب و یا عدم جذب نخبگان بومی دارد.

۶- زوال و افول جامعه تجاری بوشهر: همان گونه که پیشتر نیز اشاره شد، جامعه تجاری بوشهر در عهد طلایی خود یکی از قدرتمندترین و موثرترین جوامع تجاری ایران و خلیج فارس به شمار می رفت. این جامعه نخبه و قدرتمند، اساسی ترین مولفه هویت شهری و اجتماعی و فرهنگی بوشهر را تشکیل می دادند. این گروه اجتماعی بوشهر را در دوران طلایی خویش به مرکزی فعال، پرجمعیت و جذاب تبدیل کرده بودند. با بروز و ظهور شورش ها و آشفتگی های سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب مشروطیت از یک سو و وقوع جنگ جهانی اول و پیامدهای ناگوار آن برای ایران و ایرانیان ازسوی دیگر تا ظهور رضاشاه و سیاستهای اقتصادی و اجتماعی وی و عطف توجه به خوزستان و به خصوص احداث راه آهن سراسری و اتصال آن به خوزستان، زمینه های مهاجرت تجار از بوشهر و افول تدریجی آن فراهم شد. دشواری های تجارت در بوشهر در دوره پهلوی اول و فقدان امکانات از سویی و فراهم آمدن تسهیلات در بنادر و مراکز رقیب و امنیت موجود در آن جا از دیگر سو زمینهای خروج تجار از بوشهر و تضعیف جامعه تجاری بوشهر را رقم زد. گزارش های متعدد و مکرر اتاق بازرگانی بوشهر از حوالی سال ۱۳۱۲ خورشیدی تا ۱۳۲۲ خورشیدی وحتی بعد ازآن نشان می دهند که تجار بوشهری از سخت و دشوار شدن شرایط تجارت به علل گوناگون هم چون ناامنی راه ها، سختی خطوط مواصلاتی و فقدان وسایل حمل و نقل بار و مسافر، اجحافات مقامات مالی و اداری، تعرفه های سنگین گمرکی، عدم حمایت از بازرگانان و فقدان امکانات بهداشتی و رفاهی بسیار ناراضی بوده و شکایت داشته اند (پدیدار مجتبی ۱۱۹) در طی همان سال های فوق الذکر برطبق همان اسناد و گزارش ها بنادر خوزستان و مخصوصا خرمشهر دارای شرایط مناسب و تسهیلات کافی برای تجارت بود و همین موضوع باعث مهاجرت تجار به ناحیه و بازماندن بوشهر از قافله توسعه شد. در اسناد اتاق بازرگانی بوشهر شکایات متعددی وجود دارد که نشان می دهد تجار بوشهری به مقایسه شرایط و امکانات تجارت در خرمشهر و بوشهر دست زده و از تبعیض های موجود و عدم توجه به بندر بوشهر در آن سال ها به شدت انتقاد می کردند.(همان ۱۷۰) همه عواملی که از سوی اتاق بازرگانی بوشهر در آن سالها به عنوان موانع موجود بر سرراه کسب وکار تجار بوشهری بیان شده نه تنها دقیق و صحیح بودند بلکه به موانعی پایدار در راه توسعه بوشهر مبدل گشتند. این عوامل نه فقط مانع رشد تجارت و ارتقا جایگاه تجاری بوشهر شدند بلکه موجبات زوال و افول جامعه تجاری بوشهر شدند، جامعه ای که طی دو قرن رشد کرده و به هویت بوشهر تبدیل شده بود. هویت تاریخی بوشهر در دوران طلایی و درخشان حیات خود، هویتی برخاسته از بازرگانی و تجارت و دریانوردی بود و اینک با خروج تجار از آن و انحطاط جامعه تجاری، تار و پود و تبار این هویت نیز از هم گسسته می شد. این گسست به معنی بحران در هویت شهر بود. بدون تردید باید اذعان نمود که تضعیف و افول جامعه تجاری بوشهر یکی از مهمترین علل توسعه نیافتگی بوشهر در قرن جاری است و هر دستگاه و هر فردی که در فکرتوسعه و پیشرفت بوشهر است باید به این عنصر هویتی و کلیدی در توسعه بوشهر عطف توجه نموده و به احیار تجارت و جامعه تجاری بوشهر همت گمارد. به عبارت بهتر اگر در بوشهر زمانی تجار برجسته و مشهوری همچون معین التجاربوشهری حضور داشتند این نتیجه رونق تجارت و قدرتمند بودن جامعه تجاری بوشهر در آن عهد بوده است و اگر انتظار دارید دوباره تجار و بازرگانانی همچون معین التجار در بوشهر ظهور کنند تنها راه چاره احیا تجارت و احیا جامعه تجاری بوشهر است و این مهم میسر نمی شود مگر آن که موانع برطرف شوند.

۷- اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی: استان بوشهر و در پی آن کرسی استان یعنی بندربوشهر از عصر مشروطیت و به ویژه از کودتای محمدعلی شاه برعلیه آزادی خواهان و بازگشت استبداد تا اصلاحات ارضی شاهد یک سلسله تحولات گسترده سیاسی و اجتماعی بود که نتیجه آن ها بر هم خوردن نظم سیاسی و اجتماعی منطقه و به خصوص شهر بوشهر بود. این ناملایمات سیاسی و اجتماعی را می توان از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار داد.صد البته که بخش مهمی از این وضعیت دارای ارزشهای انسانی و اخلاقی بوده و ابعاد حماسی دارد اما پیامدهای اقتصادی و اجتماعی این تحولات و نابسامانی ها نیز آنطور که باید و شاید دیده نشده است. در ماجرای استبداد صغیر و قیام آزادی خواهان علیه محمدعلی شاه، مشروطه خواهان بوشهری کنترل بوشهر را بدست گرفتند و گمرک بدست مشروطه خواهان افتاد (مشایخی عبدالکریم،۱۴۲،۱۳۸۷)

یکی از نتایج این امر رکود اقتصادی بوشهر بود. اوضاع تجارت و معیشت در بوشهر دچار کساد شد. این امر و افراط و تفریط برخی از وابستگان به ملیون و مشروطه خواهان باعث بروز نارضایتی های گسترده شد. (همان ۱۴۴) غارت گمرک بوشهر و وحشت مردم شهر از جمله جملات و کلماتی است که در لابلای اسناد و گزارش ها پیرامون این واقعه بیان شده است. بعد از آن جنگ جهانی اول رخ داد و استان بوشهر و مخصوصا بوشهر و دشتستان و تنگستان به طور مستقیم تحت تاثیر تحولات سیاسی و نظامی ناشی از حضور قوای بریتانیایی و اشغال کشور به دست آن ها قرار گرفتند. قحطی و گرسنگی و مهاجرت نصیب بسیاری از مردم شد و رکود تجاری و اقتصادی هم نصیب تجار و اصناف گردید. راه ها نا امن شد وکشمکش های بین خوانین منطقه نیز که به طور سنتی وظیفه کنترل و مراقبت از راهها را داشتند منجر به گسترش بحران شد ه بود.

یکی از وجوه ناگفته تحولات و ناملایمات سیاسی در منطقه بوشهر دردوره زمانی فوق الاشاره همانا آسیب هایی است که به تجارت و تجار بوشهر وارد شده و به تضیف این گروه اجتماعی قدرتمند در بوشهر منجر شده است. به عبارت بهتر به علت بروز جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر به دست اجنبی قیام های متعددی در واکنش به این موضوع رخ داد اما به موازات این تحولات، اقتصاد و تجارت بوشهر نیز آسیب فراوان دید. یکی از نتایج فوری این قضایا مختل شدن تجارت رسمی از یکسو و گسترش قاچاق از سوی دیگر بود. تجار بوشهر در این شرایط دچار سردرگمی و سرگردانی بودند. بسیاری از آنان مهاجرت را انتخاب کرده و از ناحیه خارج شدند.

بعد از اتمام جنگ جهانی اول و نیز پس از برکناری سلسله قاجاریه و ظهور پهلوی، اوضاع سیاسی تا حدی آرام شد ولی در بخش هایی از استان مخالفت های سیاسی و مقاومت های نظامی ازسوی سران قبایل و طوایف مشاهده می شد. با این وجود اوضاع سیاسی بسامان شده بود و اقتصاد و بازرگانی بوشهر از سر گرفته شده بود اما به علت تضعیف جامعه تجاری بوشهر و خروج بخشی از تجار معروف از بوشهرشرایط تجاری به حالت پیشین برنگشت. نتایج تحولات سیاسی و اقتصادی و نظامی در بوشهر که طی سالهای ۱۲۸۷ خورشیدی تا ۱۳۰۷ خورشیدی رخ داد را می توان در عرصه عمومی شهر مشاهده کرد.کاهش جمعیت شهر از نتایج این تحولات بود. هر چند آمار رسمی از جمعیت بوشهر در آغاز سلطنت پهلوی موجود نیست ولی برابرگزارش ها، در سال۱۳۱۶، بوشهر فقط ۱۶۰۰۰ نفرجمعیت داشته (سعیدی نیا) در حالی که جمعیت شهردرسال ۱۳۳۲ قمری یعنی یک سال قبل از آغاز جنگ جهانی اول ۳۰۰۰۰ نفربوده است.(کبابی سدیدالسلطنه)

بوشهر برخوردار و کمتر توسعه یافته

ابوذر خمش آیا

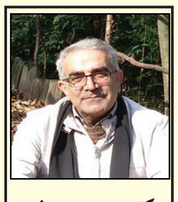
استان بوشهر از دیرباز مهد تجارت، فرهنگ، هنر و دارای مشاهیر و فیلسوفان زیادی بوده است. این استان جنوبی قطب کشاورزی و صیادی هم هست. استان بوشهر با دارا بودن بیش از هفتصد کیلومتر مرزآبی با خلیج همیشه فارس متاسفانه نتوانسته سهم خود را از این پتانسل خدادادی ببرد.

مردم استان بوشهر از رییس جمهور انتظار دارند که نگاه ویژه ای به این استان داشته باشد تا در کنار صنایع نفت و پتروشیمی توسعه متوازن هم شاهد باشند. علی رغم نیروی انسانی با سلایق مختلف سیاسی متاسفانه تاکنون سهمی در وزرای دولت ها نداشته است. وجود میادین مشترک پارس جنوبی با کشور قطر و تامین بیش از هفتاد درصد گاز کشور و وجود مدیران توانمند در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی شوربختانه سهمی در مدیریت بالادستی صنایع مذکور ندارد، خواسته و مطالبه شهروندان استان بوشهر توجه ویژه به موارد بالا و توسعه بنادر صیادی و تجاری این استان است.

بزرگترین سایت پرورش میگو در این استان است و همچنان با وجود افراد مشتاق و سرمایه گذار در استان نیاز به توسعه و احداث سایت های جدید می باشد. لازم به توضیح است که افراد غیر بومی از دیگر استان ها با رابطه های سیاسی در سایت های مذکور صاحب زمین و تاسیسات میشوند و بعد از انتقال اراضی به چندین برابر قیمت و و مبالغ کذایی آنها رو به دیگران واگذار می کنند و سود زیادی کسب کرده و این در حالی هست که عده ای زیادی با بوروکراسی اداری و مانع تراشی های اداری موفق به تاسیس مزرعه پرورش میگو نمی شوند.

اینجانب به عنوان یک شهروند استان بوشهر به صورت مختصر نکاتی را مطرح نمودم که همه این موارد جای بحث کارشناسی و واکاوی دارند که در مجال این بحث نمیگنجد. در پایان از رییس جمهور و هیات وزیران و تیم اقتصادی دولت انتظار نگاه ویژه به این استان زر خیز را داریم همچنین برای دولت سیزدهم آرزوی توفیق و موفقیت جهت حل مشکلات معیشتی اقشار کم برخوردار و سبد اقتصادی خانواده ها مورد استدعا می باشد.

مراقب آینده کودکان باشیم



دکتر سعید معدنی

یکی دو سالی است که تدریس در آموزش و پرورش و سایر مراکز آموزشی عمدتاً به شکل آنلاین برگزار می‌شود.

در این ارتباطات آنلاینی، اتفاقاتی برای دانش آموزان و معلمان رخ داده که دستمایه طنز، خنده و تمسخر شده و به شکل وسیعی در سطح فضای مجازی پخش شده و می‌شود. البته معلمان از مردم خواهش کردند که ما اکثراً تازه وارد و آماتور در استفاده از شبکه‌های اجتماعی هستیم، لطفا ما را درک کنید و اشتباهات و به اصطلاح "سوتی" های ما را پخش نکنید.

برای دانش آموزان نیز در هنگام پاسخگویی به درس‌ها و یا ارائه مطالب، خواندن متون و اشعار و... اشتباهات و سوتی‌هایی اتفاق می‌افتد که متاسفانه توسط اطرافیان دانش آموز و یا معلمان به اشتراک عموم گذاشته و موجب خنده و تمسخر عالم و آدم می‌شوند. این فیلم‌ها و ویدئوها هم برای امروز و هم برای آینده کودک که به عرصه اجتماع پای می‌نهد، آزار دهنده و شکننده خواهند بود. به عبارتی شاید خنده کوتاه امروز ما، آینده کودکی را نابود کند؛ چون این تصاویر در حافظه دنیای مجازی برای همیشه به یادگار خواهند ماند. این اتفاق ممکن است برای دانش آموز امروز ما در بزرگسالی، در آینده ای که می خواهد مسئولیت و شغل انتخاب کند، و یا دوستانی پیدا کند و پذیرش اجتماعی داشته باشد و حتی ازدواج کند، خجالت آور و آزار دهنده باشند. این نگرانی وجود دارد که سرنوشت آینده کودکان ما با این حجم از تصاویر زشت و زننده در فضای مجازی، چه می شود؟

برای نمونه: "دخترک معصوم و محجوبی که روسری‌اش را محکم بسته و در حال پاسخگویی به درس است، برادر یکی- دو ساله‌اش شلوار به دست، پشت به دوربین از گوشه تصویر نمایان می شود و دانش آموز در نزد معلم‌اش که آن طرف تماس نشسته، از خجالت سرخ می‌شود." به باور من والدین یا معلم و یا هر کسی که این ویدئو را در سطح وسیع پخش کرده شخصیت کودک را تحقیر و آینده او را به بازی گرفته است.

ویا "پسر دانش آموزی که در حین درس و موقع نشستن، شلوارش پاره می شود!" و ما برای لحظه‌ای خندیدن، تصویر را در دنیای وسیع، بی‌رحم و بی‌در و پیکر فضای مجازی پخش می کنیم و...

از این نوع فیلم‌ها، و برخی دیالوگ های کلامی، شاید تصور شود نوعی فان بوده و لبخندی بر روی لبان شاهدان و شنوندگان بیاورد، اما ما با این کار زندگی و آینده کودکان را تهدید می کنیم.

لذا پیشنهاد می‌شود:

۱- این نوع ویدیوها را پخش نکنیم.

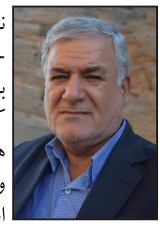
۲- از اشتراک گذاری آن خودداری کنیم.

۳- تا آن جا که امکان دارد، این نوع تصاویر و "سوتی"ها را از گوشی‌ها و شبکه‌های اجتماعی پاک کنیم.

آسیب رساندن به شخصیت افراد نوعی ترور شخصیت است و خود جرم محسوب می شود. کودکان می‌توانند به محض رسیدن به سن قانونی از افرادی که این تصاویر را پخش کرده اند شکایت کنند، حتی اگر پخش کنندگان والدین‌شان و یا اعضای خانواده باشند. تاثیرات و لطمات فضای بی‌رحم دنیای مجازی، هنوز برای بسیاری از مردم و خانواده‌ها، ناشناخته است. تاَمل و دقت کنیم و مراقب آینده کودکان‌مان باشیم.

فاصله نیازها و انتظارات سالمندان با عملکرد مسئولان

عالی بازدار –سرپرست کمیته ورزش و فعالیت بدنی سالمندان هیات ورزشهای همگانی بوشهر



نهم مهر (اول اکتبر) برابر با روز جهانی سالمندان بود. روزی که به احترام کهنسالانی نامیده شده که در جوانی و میان سالی تجربه ها آموختند . احترام به پیشکسوت و سالمند احترام به فردای خود است اگر مسئولان شهر و استان بنا دارند برای ارتقاء منزلت اجتماعی سالمندان در عرصه های فرهنگی ، ورزشی، اجتماعی ، تمهیدات و تسهیلاتی را فراهم نمایند درد دلها و پیشنهادات زیر را برای هماهنگی بین دستگاه های اجرایی در جهت خدمت رسانی به جامعه سالمندی تقدیم می نمایم:



۱ – هیات ورزشهای همگانی و در راس آن فدراسیون ورزش های همگانی در کشور متولی ایجاد جامعه ای با نشاط و سالم از سنین کودکی تا سالمندی هستند. زندگی شاد نیازمند جسم سالم است. انجام فعالیت های منظم و شرکت در برنامه های ورزشی و تفریحی برای سالمندان و پیشکسوتان دارای مزیت های فراوان است و با حفظ و توسعه سلامت افراد ارتباط معناداری دارد. فعالیت‌هایی که در قالب ورزش های همگانی عرضه می‌شود می‌تواند زندگی را شاد و سالم و نیز در خانه ماندن و سکون و بی تحرکی را به جنبش و پویایی تبدیل کرده و باعث افزایش سلامت افراد شود.

۲– رواج ورزش در سطح عمومی و ایجاد انگیزه برای فعالیت‌های متنوع ، بستر مناسبی را برای سلامت جسم و روان و نشاط و کاهش بیماری ها و ناهنجاری ها فراهم می کند. همه این امور مستلزم نگاه ویژه مجریان و قانونگذاران در تامین نیازهای مالی برای حضور مربیان متخصص در این حوزه است . امروز متاسفانه شاهد آن هستیم که برای اعزام چند ورزشکار پیشکسوت و سالمند به جشنواره ها و رقابت های سطح کشور هیات ورزش های همگانی از توانایی مالی لازم برخوردار نیست تا چه رسد به اشاعه ورزش همگانی در ابعاد غیر قهرمانی که پایه ورزش قهرمانی نیز می باشند.

۳–در استان بوشهر ۱۶ هزار و ۵۰۰ نفر بازنشسته مشترک صندوق بازنشستگی کشوری و ۳۲ هزار بازنشسته تامین اجتماعی غیر از افراد تحت تکفل آنان را داریم اگر هر بازنشسته سه نفر تحت تکفل داشته باشد قریب به ۱۵۰ هزار نفر از جمعیت استان را تشکیل می‌دهند کانون‌های بازنشستگی خدماتی را در حد توان برای بازنشستگان دستگاه‌های اجرایی خود انجام می‌دهند اما فاصله بین نیازها و انتظارات جامعه سالمندی و پیشکسوت با توان کانون‌ها اجرای هر نوع برنامه ریزی برای سلامت این قشر فرهیخته را با مشکل مواجه می کند. بنابراین روزهایی که در تقویم نامگذاری شده است نیز کم کم به فراموشی سپرده می شود.

۴– به رغم مطالعات این حقیقت که فعالیت بدنی کلید سلامتی، عمر طولانی و چهره خوب است و به رغم تمامی آن چه ما درباره کلسترول، بیماری‌های قلبی، دیابت و ... می‌دانیم این واقعیت باقی می‌ماند که ما ملت تنبلی هستیم و استان بوشهر نیز در مسیر کم‌تحرکی رتبه بالای کشور را داراست (معاون دانشگاه علوم پزشکی). یک حساب سرانگشتی این است که شما باید حداقل ۵ ساعت در هفته را به ورزش و فعالیت بدنی اختصاص دهید. بدین منظور ضرورت دارد که ورزش همگانی در بودجه بندی کشور جایگاه ویژه ای داشته باشد تا نیاز به درمان و بیمارستان و... کمتر شود. معمولاً ما استرس‌های روزانه را بر سلامتی مان و بروز بیماریها نادیده می گیریم. اوقاتی که احساس گرفتگی و کسلی داریم بهتر است که روح خود را از طریق پیوستن به طبیعت، زنده سازیم. ورزش در هوای آزاد و طلوع خورشید یکی از بهترین هدایایی است که می‌توانیم به بدن با ارزش خود هدیه کنیم .

۶– در استان و شهر ما بوشهر تا کنون فضای مناسب برای رفاه و آسایش ورزش سالمندی پیش‌بینی نشده است. سالهاست که کانون‌های بازنشستگی در بوشهر و برازجان که از لحاظ آماری شرایط لازم را دارند تلاش می کنند تا مانند سایر استان‌ها خواسته هایشان را مسئولان مورد توجه قرار دهند. یکی از درخواست ها احداث خانه امید است که در بوشهر در سال ۹۳ توسط شورای شهر به تصویب رسید اما عدم اطلاع مجریان از قانون از یک سو و شاید تنگ نظری یا بی توجهی، بیشتر تلاش ها به سمت سویی سوق داده شد که نهایتاً دلیلی برای مخالفت تراشیده شود. متاسفانه در برنامه‌های مسئولان تا کنون، راهی برای درمان این درد بی درمان یافت نشده است!!!

مسئولان محترم اجرایی شهر و استان متوجه باشند که در بیش از ۵۰ نقطه کشور حدود ۲۸ استان از بودجه ملی استفاده کرده‌اند تا سالمندان بازنشسته و پیشکسوت مکانی برای رسیدگی به امور فرهنگی، ورزش، بهداشت، مطالعه، شعر و ادب و تحقیق و پژوهش و... داشته باشند اما در استان بوشهر به هر دری کوبیدیم جز تعارفات خشک و خالی بهره ای نبرده ایم. به جز تکرار این جمله که: سالمندان و بازنشستگان، فرهیختگان جامعه هستند پاسخ دیگری به ما داده نشد. اکنون در انتظار حمایت شورا و شهردار جدید هستیم تا اِنشاالله نتیجه ۱۰ سال مطالبه گری پیشکسوتان عرصه خَدمت و ایثار، ختم به خیر شود.

چند پیشنهاد در راستای بخشی از نیازها و انتظارات

۱– فراهم آوردن بستر مناسب برای همکاری فی‌مابین دستگاه‌های اجرایی استان با هیئت ورزشهای همگانی و کانون‌های بازنشستگی در حوزه سلامت ورزش و تغذیه.

۲– برخورداری سالمندان و پیشکسوتان بازنشسته از خدمات رفاهی دستگاه‌های اجرایی ذیربط

۳ – استفاده از تجارب سالمندان و پیشکسوتان در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و ورزشی

۴– صدا و سیما با پخش برنامه‌های مشخص در برنامه‌های جاری خود نسبت به ترویج و نهادینه کردن احترام و تکریم پیشکسوتان و سالمندان مبادرت ورزد.

۵–استفاده از امکانات ورزشی در اختیار اداره کل ورزش و جوانان و سایر دستگاه‌های اجرایی به صورت رایگان

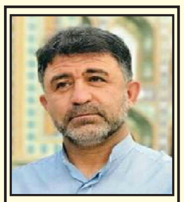
۶ – شرکت‌های هواپیمایی و راه‌آهن دولتی موظف به تخفیف ویژه بلیط برای مسافرت های داخلی سالمندان و پیشکسوتان شوند. در همین راستا در هفته سالمند – چند روز پیش– مقرر شد که چهار نفر ورزشکار پیشکسوت را برای حضور در پیاده روی به مناسبت روز جهانی پیاده‌روی ۱۱ مهر به مازندران اعزام نماییم، اما به علت نداشتن بنیه مالی و هزینه های بالا قادر به انجام این اقدام نشدیم.

۷ – استفاده از مراکز اقامتی و هتل های تحت پوشش دستگاه‌های اجرایی به صورت نیم بها هر سال یک بار

۸– وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی موظف شود ترتیب اتخاذ نماید تا از طریق دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی هر سال یک بار به پایش سلامت سالمندان ۷۰ سال به بالا به صورت رایگان اقدام به عمل آید.

دلم می سوزد

به بهانه ی روز کودک



مرتضی کراماتی

دلم می سوزد برای خودم و برای کودکی ام که درکش نکردم و برای امروز خودم و شما که کودکی نکردیم و شاید خیلی از ناملایمات نسل من همین کودکی نکردن "دیروز" است که "امروزمان" در حیرانی می گذرد و "فردایمان" نامعلوم که چگونه رقم می خورد. روز کودک چند سالی است در تقویم به خوبی جا خوش کرده و در این سالها رنگ و لعاب بیشتری به خود گرفته و در لابلای مناسبتها، بهانه ای می شود تا در شادی کودکانمان یا کودکان سببی و نسبی، ما هم خوشحال شویم و در شادیهایشان شریک شویم مثل جشن تولد و در لحظاتی غمی سنگین بر سینه مان سنگینی می کند که زمان کودکی ما چگونه بود و چرا خبری از این برنامه ها نبود. یعنی انگار نه انگار که کودک باید"کودکی" کند. همه توقع داشتند که در آن سنین کوچک، با ادب، آرام، ساکت و تمیز باشیم و شاید پدر و مادرها تمیز نمی دادند که بچگی و کودکی شرایط خاص خودش را می طلبد و سطح توقعاتشان آن چیزی را از کودک می طلبید که از یک فرد بالغ و عاقل باید بخواهند و به همین منوال آن روزها گذشت و به تعبیر خودم:

"ناگهان در ناگهانی از تمام حالها
روزهای ما گذشت و ماهها و سالها"

و اینک در ره آورد ایام، و مرور تقویم، کودکی را پاس می داریم و کودک درون را صدا می زنیم و عیبی نیست اگر بگوئیم اغلب افراد جامعه کودک درونشان فعال است و اگر غیر از این باشد شاید خدا هم از ما راضی نباشد و ناسپاسی به خالق بی همتا که چرا قدر داشته هایمان را نمی دانیم و این"کودک‌درون" اگر نبود شاید شادی، شیطنت، خنده و گریه و محبت وجود نداشت و اگر داشت معنایی نداشت و تصنعی بود مثل خیلی از رفتار بزرگترها که در جهان امروز "کودک کشی" به عنوان زشت ترین عمل به دست پست ترین افراد رقم می خورد. قتل، غارت و جتایاتی که گاهی قربانیانش کودکانی هستند که سرگرم بازی کودکانه ی خود هستند و اصلا نمی دانند که قربانی بازی جلادانی هستند که بویی از انسانیت نبرده اند. کودک یعنی صلح، کودک یعنی صفا، کودک یعنی لبخند و کودک یعنی سلام به خدا.

در کتاب «از بخشو برایت می‌گویم»؛

یاحسینی از نوحه‌خوان فقید بوشهری نوشت



کتاب «از بخشو برایت می‌گویم» نوشته سیدقاسم یاحسینی حاوی خاطرات شفاهی مصطفی گراشی درباره زنده‌یاد جهانبخش کردی‌زاده، نوحه‌خوان فقید بوشهری است که به همت انتشارات پاتیزه منتشر شده است.

مولف کتاب «از بخشو برایت می‌گویم» در این باره به خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر گفت: این کتاب در قالب گفت‌وگو با مصطفی گراشی، نوحه‌خوان و مداح اهل بیت (ع) در خصوص زنده‌یاد جهانبخش کردی‌زاده، نوحه‌خوان فقید بوشهری تنظیم شده است.

سیدقاسم یاحسینی افزود: این کتاب مصور، دربردارنده خاطرات تلخ و شیرین گراشی از نوحه‌خوانی و آشنایی با زنده‌یاد «بخشو» در کودکی تا لحظه مرگ این نوحه‌خوان برجسته، اجرای وی در مسجد دهدشتی، تحولات بعد از انقلاب و دلایل حذف بخشو و همچنین تصاویر گراشی، جهانبخش کردی‌زاده و برخی دیگر از نوحه‌خوان‌های پیشکسوت و فقید منطقه جنوب است.

وی ادامه داد: پس از مرگ زنده‌یاد بخشو، گراشی نوحه‌خوان اصلی مسجد دهدشتی و به‌نوعی جانشین بخشو در اجرای مراسم آیینی و مذهبی می‌شود که در ایام سوگواری محرم و صفر در بوشهر برگزار می‌شوند.

این نویسنده و مورخ اجتماعی تصریح کرد: کتاب «از بخشو برایت می‌گویم» حاصل یک گفت‌وگوی تلفنی مفصل با مصطفی گراشی، در ۲۰۰ نسخه و همزمان با دهه آخر ماه صفر حاصل یک گفت‌وگوی تلفنی مفصل با مصطفی گراشی منتشر شده است.

در بخشی از کتاب «از بخشو برایت می‌گویم» آمده است:

«به هر حال از تاریخ ۲۵ محرم ۱۳۷۷ هجری قمری/ ۳۱ مرداد ۱۳۳۶ شمسی شادروان جهانبخش کردی‌زاده برای اولین‌بار در محله دهدشتی شروع به نوحه‌خوانی کرد. جالب اینکه اولین اجرای بخشو، نه در مسجد دهدشتی، که در مسجد پیرزن (فاطمه‌زهرا فعلی) و به مناسبت شهادت امام زین‌العابدین (ع) یا به قول ما بوشهری‌ها در سال‌های قبل از انقلاب، «عابد بیمار» بود. حالا به چه دلیل آن شب را در این مسجد سینه زدند و نوحه خواندند، علتش را نمی‌دانم.

بخشو هرطور بود و از همان تاریخ شب ۲۵ محرم ۱۳۳۶ شمسی رسما نوحه‌خوان اصلی و رسمی محله و مسجد دهدشتی شد و تا زمانی که زنده بود، همچنان در این محله و مسجد نوحه خواند. این چگونگی و تاریخ ورود مرحوم بخشو به محله‌ی ما بود. این را هم بگوییم که آمدن بخشو به مسجد محله‌ی ما تقریبا در همان سالی اتفاق افتاد که من هم در اواخر همان سال به دنیا آمدم...»

بیایید "آرام" باشیم!

امید ایران نژاد

"ادبیات بهترین دارو برای سلامت انسان است. درد را از او می گیرد و انسان را وارد دنیای تازه تری می کند".

این را به آرامی از استاد" احمد آرام" گفتم که در این اوضاع و احوال خواندن ادبیات را فراموش نکنید. خب اگر متقاعد شده اید که به سراغ ادبیات و به ویژه داستان و رمان بروید، چه آثاری بهتر از آثار استاد احمد آرام. که نگران قرب و منزلت داستان ایرانی هم هست.

حالا چرا آرام؟!

او یک بار به" ثروت نجومی" رسید، لطفاً آرام باشید! ثروت او با ثروت دیگران تفاوت بسیار دارد و آن شامل یک آلبوم کاست زنده یاد شجریان است که در حافظیه شیراز با امضای استاد، بدست آورد.

لطفاً آرام باشید!

او از هر آن چه حمایت دولتی برخوردار است، گریزان است، بیشتر دوست دارد انجمن های ادبی و مردمی پای کار امور فرهنگ و هنر باشند تا دولتی ها. معتقد است ادبیات دولتی جذابیتی ندارد، که به قول "آرام " ادبیات می تواند مشت نااهلان را باز کند!

لطفاً آرام باشید!

آثارش رنگ، بو و طعم جنوبی و از همه مهمتر حس و حال ایرانی دارد. اصولا نویسنده رئالیست نیست، اما مراقب است نوشته اش شکلِ تصنعی به خود نگیرد.

لطفاً آرام باشید!

باور دارد که هر چه قدر جهان نو می شود، باز هم سنت ها در خاورمیانه با عناوین مختلف رشد می کنند.

لطفاً آرام باشید!

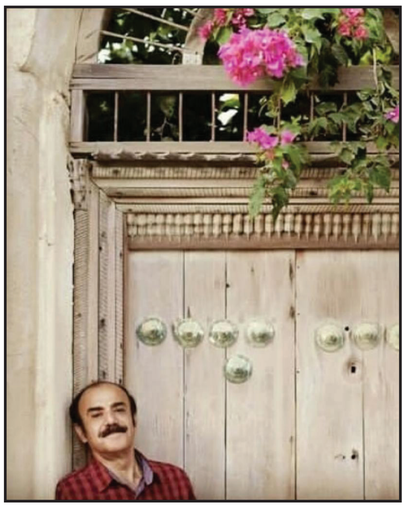
منتظر نمی ماند به او الهام شود، خودش را به دست اتفاق می سپارد و از" روایت های تو در تو " شاهکار خلق می کند. آن چنان که یک جاشو با این گونه روایت ها زندگی در او جاری می شود.

لطفاً آرام باشید!

ساختار شکنی ویژگی بارز اوست. گذر از کوچه باغ های تئاتر و گرافیک و سینما، این امکان را در آثار او فراهم آورده که بتواند در چشم بر هم زدنی آن چه مطلوب و خاص خود اوست، بیافریند.

لطفاً آرام باشید!

به شناخت بوم و مکان و زیست گاه و اهمیت رازناکی در ادبیات، تاکید بسیار دارد. آن گونه که از نخستین معلم خود" زنده یاد صادق چوبک" آموخت. که چگونه از هویت، جغرافیا و تاریخ کشورش حراست کند و بوم خود را دوست بدارد. این که هر واژه



انسانیست که بوی دریا، مرغان ماهی خوار و شرجی می دهد.

لطفاً آرام باشید!

او امروز در آستانه هفتاد سالگی هنوز هم یک معلم است که گوشه گیری پیشه نکرده، از تالیف گرفته تا تدریس در دوره ها و کارگاه های نقد داستان، داستان نویسی و نمایشنامه نویسی، که پربار است و از تجربه های شخصی خود می گوید و بسنده به اصول و مکتب دیگران نمی کند.

لطفاً آرام باشید

و این کتاب های"آرام" را بخوانید؛ چرا که هم زمان تئاتر می بینید و به سینما می روید و از هنر نقاشی لذت می برید.

گزارش به یک مرده



مهدی جهانبخشان

سلام میت جان. می خواستم این گزارش را برای مسئولین عزیز شهر از استاندار تا شهردار تا شورا بفرستم ولی بهتر دیدم بخودت بگم که بدونی برایت چه مکافاتی تحمل کردیم، اونجا که رفتی این گزارش رو کتبی کن به خدا یا پیغمبری، امامی که اگه دستشون میره کاری کنن، تا یه سُک کوچیکی به مسئولین عزیز و دلسوز ما بدهند.

اول این که تا از جاده خاکی رد شدیم و رسیدیم دارالرحمه اُو تو کممون آلسکا شد. همش نگران بودیم که یهو از این جاده و دست انداز و گردو غبار از خواب خوش ابدی نپری.

بعد مسئولین دارالرحمه گفتن ما کارگر نداریم، خودتون میت جان ببرید بخوابانید روی جایگاه برای شستشو. حالا می رسیم به آب دارالرحمه، باورت می شه، این جا نه چاه آب و نه لوله کشی داره و آب را با تانکر میارن تو مخزن می ریزن. همش هم نگران بودیم تو شستن بدنت آب مخزنا تموم بشه و با تن نشسته بری تو قبر.

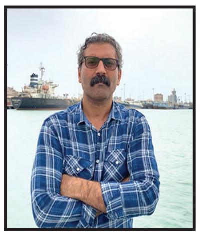
حالا برسیم به وضعیت ما تشیع کننده ها. به جان خودت که دیگه از قالب خارج شده، دارالرحمه، سالن استراحت نداره، یعنی داره نه این که نداره ولی دَرش رو مردم بستن. به جان خودت مردیم تو گرما و شرجی تا شستشوت دادن. بعدش نماز میت خوان و تلقین گر برای تو یکی بیشتر نبود، این قدر تو گرما و شرجی و خل و خاک ماندیم تا همه مون شدیم کمپوت. یک ساعت تمام هم موندیم تا خاک ریختن روت.

میت جان سفرت خوش، سلام رفتگان خاک برسان و بگو خوش به حال تان که نیستید تا رنج ما را بر دوش بکشید. احتمالا با این وضعیت. جا برای ما بگیرید.

راستی برای این کارها شش میلیون هم گرفتند. یه اعتراض کوچک کردیم که بابا گرونه گرونه، این همه پول که می گیرید، چه خدماتی می دید، جواب دادن که مگه مجبورید، بمیرید، خب نمیرید.

واحد...

(با یاد و به احترام صداهای ماندگار در تاریخ موسیقی بوشهر و سینه های سراسر شور؛ همچون دریا... و به: جهانبخش جاریِ جاودانِ موسیقیِ بوشهر)



حماسه حق پرست

و ضربآهنگ دست های برکشیده و فروغلتیده بر ستبر سینه ها...! سینه های مالامال از هزار و یک برهان و علت و قلت و کثرت! و می نواختند سازِ دست و سینه را در جواب سرخوانِ سراسر نغمه... و نواختند و خواندند و پیش راندند و دست در دست ، پس و پیشِ پاهاشان را برداشتند و گِرد هم آمدند و چرخ زنان در سماع و خلسه به گردش درآمدند تا بُر های بَرآمده از ادوار تاریخ را همراه و همخوان و همنواز شوند، در نوا و نوحه ای از آن قافله سالار و دریانوردِ دریادار که همچون ناخداییِ سلیکا، ناخدا عباسِ رسم و سنت دیگری در نَوحه و نغمه پردازی و آیین سینه زنی بوشهر شد، تا مگر چون پایه ی پَنجَم، پایه گذار تلفیق و پیوند شعر و موسیقی گردد و تو همچنان بیا تا دیگر بزرگانی چون: سید محمد محزون و آقا علی مهیمنیان و محمد شریفیان و آن سوتر باقر آرامی و علی دشتی و ...تو گویی برآیند و برآمد همه ی آن بزرگان صدای تمام عیار و حد کمال و شش دانگ موسیقایی آن مرد خوش آواز و لحن و به قول و غزلِ استاد سخن حضرت سعدی: نیک محضر و چهره ی بی بدیل به معنای واقعی کلام، جهانبخش کردی زاده بود که در گذر تاریخ و فرهنگ و گستره ی جغرافیا و هنر موسیقی بوشهر ، گویا دست نیافتنی است...!

نام و نشان و حضور منحصربه فرد و جاودان جهانبخش کردی زاده اما آن هنگام که سینه مَالامالِ درد است را در نوحه و واحدی هر چه استادانه تَر می خواند و همچون رهبر ارکستری عظیم، آنان که جامه دران از دَر درآمده بودند برای سینه، چنان شوریده و شورانگیز بر سینه ها، دستانِ خویش فرو آوردند که تو گویی و چنان که دانی، جاودانگی یک اپرا در قرون و اعصاری دور و دیر را از پس پشتِ روزگاران فریاد و ویله می زنند.

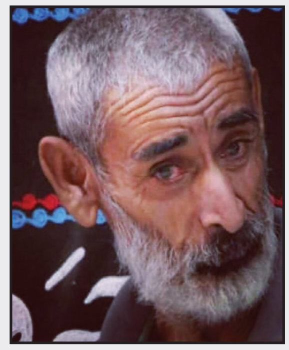
بخشی بوشهر نیز هم همچون بخشی های موسیقَی خراسان، بخشیده ای آسمانی به همراه داشت و در اجرای آوازها و نغمات و قطعات و رپرتوار موسیقی خاصه مذهبی بوشهر، سهل و ممتنع، سخت ترین و دشوارترین آثار را با لحن و شیوه و تغییر و تدبیرِ موسیقایی خود به یادگار گذاشته است تا جاییَ که نقطه ی عطف و سرفصل دیگری است در تاریخ موسیقی بوشهر و موسیقی در بوشهر و هم از این رو به باور این قلم ، جهانبخش کردی زاده، افزوده ی موسیقایی بوشهر است تا با تغییر متر و تمپو و تحریر و تکیه و تاکید و ترکیب و آکسانت ها و فاصله ها و درست خوانی و تمیز خوانی را میزان به میزان روایت کرده باشد و الگوی اجرای رپرتوار و مجموعه ی یک گونه ی مشخص از موسیقی بوشهر باشد. جهانبخش کردی زاده، هنوز و همیشه و همواره یک واحد تکرارناپذیر و چندین و چند افزوده ی اجتناب ناپذیر در گستره ی تاریخ موسیقی بوشهر و ایران است.

همو که همیشه گلبانگ سربلندی موسیقی بوشهر، دانسته و می دانمش...!

سفر بخیر رمضون..!


رضا صافی

کوچیک که بودم حدودا ۸_۹ساله، اولین بار کنار مسجد قرآن دیدمش! ازش ترسیدم! با اون شکل راه رفتن خاص و چهره و لبخند کجکی که از زاویه دید کودکانه ی من و بچه‌های دیگه تهدیدآمیز و ترسناک بنظر می‌رسید!
بعدها فهمیدم که گرچه با بقیه متفاوت است ولی خطرناک نیست و بر عکس تصورات کودکانه ی ما اتفاقاً قلب فوق‌العاده رئوف و مهربونی داره! کم‌کم ترسمون که ریخت جرأت کردیم و بهش نزدیک شدیم و برای نمایش شجاعتمون پیش بچه‌های کوچیکتر محله، باهاش دست هم می‌دادیم، که یعنی مثلا خیلی شجاعیم! رمضون از اعتماد بچه‌ها به خودش کیف می‌کرد و دستمون رو جوری فشار می‌داد که هوس فرار به سرمون می‌زد!



بعدها و سال‌های بعدتر از اون، دیدنش حالمو خوب می‌کرد. به خصوص که بزرگتر شده بودم و فشار دستش اذیت کننده نبود و بخاطر قدکشیدنم، بقول سینمائی‌ها از زاویه «آی‌لول» یا هم‌طراز، خودمو همسن و سالش احساس می‌کردم. اون هنوز همونطور و همون شکل مثل قبل مونده بود، ولی ما هر روز گنده‌تر و شاید از دید او عجیبتر می‌شدیم!
سال‌ها گذشت... همه‌ی ما بزرگ شدیم و ریش و پشم درآوردیم. زاویه ی دیدم دیگه کاملا نسبت بهش تغییر کرده بود و برعکس بچه گی‌ها «های‌انگل» می‌دیدمش (زاویه ی از بالا به پائین) ولی رمضون همونطور مثل قبل مونده بود. عین اولین دیدار..! فقط موهاش سفید شده بود. انگار توی قراردادش با زندگی مرحله ی پیری قید نشده بود! این اواخر تو نگاهش یه حسّ غریب نسبت به خودم می‌دیدم و سعی می‌کردم بی‌خیال و با لبخندی از کنارش بگذرم! احساس می‌کردم جای من و اون توی بچه‌گی‌هامون داره با هم عوض می‌شه و الآن این رمضونه که داره کم‌کم از من و بچه‌های دیگه می‌ترسه..!
امروز بعد از مدت‌ها بی‌اطلاعی، خبردار شدم که رمضون هم بی‌سروصدا ورداشته و رفته... دلم گرفت. یه دفعه به یاد آخرین نگاهش افتادم که انگار الآن برام ترجمه شد!
رمضون با همه‌ی محبت و مهربونیش ولی با یه حسی غریب توی چشاش داشت بهم می‌گفت: «چته بچه؟! چرا این همه روز بروز داری عوض میشی؟ مگه کجا میخوای بری؟ نکنه اینقد عوض شی که دیگه نشناسمت؟»
دلم خیلی گرفت! نه بخاطر اون، بخاطر تنهائی خودم توی دنیائی که چقدر به تابلوهای راهنمائی مثل اون نیاز داره..!
امیدوارم اونور خط، فرشته‌ها حسابی ازش پذیرائی کنن و خستگی توقف توی ایستگاه زمین وسط یه مشت دیوونه مثل من رو از تنش دربیارن... سفر بخیر رمضون

رابطه امنیت اجتماعی و سلامت روانی

دکتر عبدالصالح خزائی



لفظ امنیت (secure) به معنای اطمینان خاطر و برابر با لغت نامه جدید لاروس به معنای احساس نبود ترس ترجمه شده است. از حیث روان‌شناختی اگر بخواهیم به آن بپردازیم به وضع روحی و روانی مبتنی بر فراغ‌بالی و آسودگی و رها از دغدغه را می‌توان اشاره کرد. جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان حوزه اجتماعی تعاریف متفاوتی با توجه به رویکردهای چندگانه مانند امنیت سیاسی، نظامی، اقتصادی، فردی و اجتماعی و ... از آن داشته‌اند و روی هم رفته یک ارزش انسانی و اجتماعی قلمداد می‌شود که با دیگر ارزش‌ها مانند آزادی و نظم همبستگی و هم‌پوشانی دارد.
خداوند متعال در آیه ۴ سوره قریش، امنیت را جزء نیازهای اولیه انسان معرفی نموده است و ابعاد و انواع آن نیز در کتاب آسمانی قرآن به صورت کامل بیان شده است. برابر با آیات و روایات تامین امنیت از وظایف مهم حاکمان و دولت به شمار آمده است.
انسان‌ها در طول گستره زندگی در جنبه‌های مختلف احساس نیازهای متفاوت را دارند. از دیدگاه ابراهام مازلو نیازهای انسان به سطوح مختلفی تقسیم شده است و رفع این نیازها به صورت سلسله مراتبی اتفاق می‌افتد. غفلت در هر سطح از نیازها منجر به آسیب‌های جدی به افراد می گردد. در این سلسله مراتب، بعد از نیازهای اولیه که همان نیازهای جسمانی انسان می‌باشد؛ دومین پله مسیر شکوفایی مازلو نیاز به امنیت است. همان‌طور که در بالا اشاره شد، امنیت ابعاد گوناگون مانند امنیت سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... دارد ولی در این مطلب هدف تشریح ارتباط امنیت اجتماعی و امنیت روانی در انسان‌ها می‌باشد.
در جامعه پس از آن که امنیت فردی و انسانی در افراد ارضاء گردید، افراد به دنبال عضویت در اجتماعات و گروه‌های متفاوت جمعی گرایش پیدا می‌کنند. واژه امنیت اجتماعی(security societal) به معنای اطمینان خاطر ماحصل جامعه و گروه، تجلی پیدا می‌کند. این امنیت مبتنی بر سلامت افراد جامعه در مقابل ناهنجاری، اقدامات خشونت‌آمیز و احساس عدم امنیت شهروندان است. البته نباید غافل بود که امنیت اجتماعی ممکن است تا حدودی با دیگر مولفه‌های امنیت مانند امنیت ملی، سیاسی و غیره هم‌پوشانی داشته باشد؛ اما در نهایت مرجع و متولی آنها در جامعه جداگانه است و امنیت بافت و گروه‌های اجتماعی در گرو مقابله با ناهنجاری، ناامنی و در کل آسیب‌های اجتماعی است.
امروزه با پیشرفت تکنولوژی در عصر مدرنیته و فضای مجازی و همچنین استفاده افراطی و نسبتاً ناصحیح از آن، میزان و اثرگذاری آسیب‌ها و نا امنی‌های اجتماعی به لحاظ گسستگی کنترل‌های سنتی خانواده و ضعف ارتباط موثر والدین و فرزندان، به نسبت بیشتر شده است. این مسائل و مشکلات، جامعه و گروه‌های اجتماعی را تحت شعاع قرار داده و در نهایت تضعیف می‌نماید.
با بررسی امنیت اجتماعی کشور عزیزمان ایران، از یک سو با توجه به تهاجم فرهنگی وسیع و تلاش و برنامه‌ریزی بنگاه‌های رسانه‌ای استکباری کشورهای معاند به منظور تضعیف هویت ملی و اسلامی، خدشه‌دار نمودن فرهنگ سنتی، تحریف باورها، رواج بی‌اعتمادی و شایعه‌سازی از هیچ تلاشی جهت کمرنگ کردن امنیت اجتماعی هم میهن‌نان‌مان فرو گذار نبوده‌اند. از سوی دیگر مشکلات و کاستی‌های داخلی مانند مسائل اقتصادی مانند تورم، مسکن، اشتغال و مسایل اجتماعی مانند بالا رفتن سن ازدواج و اعتیاد و ... انسجام اجتماعی را تهدید می کند.
امنیت اجتماعی و موئلفه‌های آن مانند نظم عمومی، انسجام و مشارکت عمومی، سلامت جسمی و بهداشت روحی روانی و مهارت‌افزایی افراد، بالا رفتن شاخص امید به زندگی نقش مهمی در رشد و بالندگی تک تک افراد جامعه و سپس جامعه پویا دارد. در بررسی و ارزیابی مولفه‌های بهداشت روان افراد، عوامل اجتماعی مانند امنیت و انسجام عمومی در کنار عوامل متعدد دیگری چون فردی و خانوادگی دخیل هستند. در هر جامعه‌ای که امنیت و آسایش گروه‌ها تضمین شود، می‌تواند رهاورد آن دغدغه روزانه کمتر برای افراد باشد و یقیناً افراد آن جامعه در آرامش بیشتر به فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری و یا پیشرفت در زمینه‌های دیگر زندگی مشغول و نایل گردند و یا این که عکس قضیه می‌تواند اتفاق بیافتد و در صورت پایین بودن سطح امنیت اجتماعی به ویژه در مناطقی حاشیه‌ای و آسیب‌زا، با فزونی مشکلات افراد در بعد سلامت روانی افراد تاثیر مستقیم دارد؛ زیرا در چنین اجتماعی با احتمال بیشتری شهروندان، تعارضات و دوگانگی و همچنین هیجانات منفی مانند اضطراب را تجربه می کنند و پس‌آیند آن در صورت ادامه این روند، اختلالات روانی افراد جامعه است.
روشن است به منظور تقویت امنیت اجتماعی در وهله اول سازمان‌ها و دستگاه‌های متولی دولتی با همکاری سازمان‌های مردم نهاد تلاش نمایند مشارکت و پیوندهای اجتماعی در شهروندان تقویت گردد و سپس در وهله دوم لازم است با برنامه‌ریزی صحیح جهت فراهم نمودن اشتغال، مسکن، ازدواج، بهداشت و سلامت عمومی، درآمد متناسب با استانداردهای زندگی سالم و پیگیری حقوق و خواسته‌های جمعی؛ امنیت اجتماعی پررنگ‌تر گردد. در وهله سوم مسئولیت کار بر دوش افراد جامعه است که در جهت تحقق امنیت اجتماعی می‌طلبد با پرورش مهارت‌های فردی و اجتماعی مانند احساس مسئولیت فرد در برابر دیگر شهروندان جامعه، بصیرت‌افزایی افراد و خانواده‌ها به منظور مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان، تلاش مظاعف نمایند.

بحران یخ در شرکت های عمل آوری میگو استان بوشهر!


رضا سیاهوشی

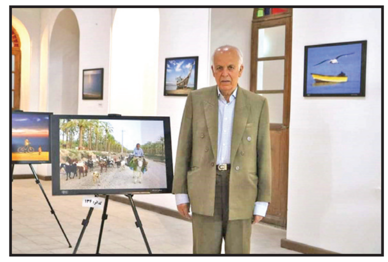
در اوج فصل برداشت میگو پرورشی بحران یخ در استان بیداد می کند. متاسفانه خبرهای ناگواری هم از بیماری لکه سفید وجود دارد که موجب دل نگرانی مدیران مزارع پرورش میگوی استان گردیده است، زیرا که تلاش و زحمات چندین ماهه آنان و سرمایه گذاری زیادی که در این بخش تولید انجام داده اند در معرض خطر و نابودی قرار گرفته است. از مسئولین استانی و به خصوص استاندار تقاضای رسیدگی جدی به برطرف نمودن کمبود یخ داشته تا شرکت های عمل آوری استان نیز بتوانند میگوهای پرورشی را هرچه سریع تر جمع آوری کرده و از یک فاجعه بزرگ دیگر در مزارع پرورش میگو استان که در برنامه های بازدید رییس جمهور هم قرار گرفته جلوگیری نمایند.

نامه انجمن اسلامی معلمان استان بوشهر خطاب به رئیس جمهور:

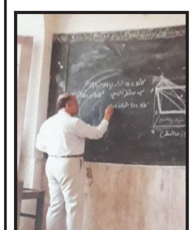
معلمان کشور خواستار اقداماتی جدی و عملی برای رفع مشکلات خود هستند

انجمن اسلامی معلمان استان بوشهر همزمان با سفر رئیس جمهور به بوشهر، در نامه ای سرگشاده خواستار توجه دولت به مشکل فرهنگیان شد.
در قسمتی از این نامه آمده است:
شوربختانه سالهاست که آموزش و پرورش ایران دیگر در اولویت دولت و مجلس نیست. عدالت آموزشی در قوانین عادی تجلی نمی یابد. در مورد جایگاه و اهمیت شغل معلمی، تصمیم مهم و مؤثری اتخاذ نمی شود. اگر دولت و مجلس، شغل معلمی را خطیر می پندارند (که هست) باید برای خروج از این وضعیت تصمیمات جدی، کارآمد و واقع بینانه اتخاذ نمایند.
... مهمترین مطالبه ی فرهنگیان، حل معضل معیشتی آنهاست و دیگر انتظار ندارند دولت و مجلس با افزودن درصدی به حقوق آنها این مشکل را حل شده فرض کنند بلکه انتظار دارند:
رتبه بندی معلمان، همسان سازی حقوق بازنشستگان، پرداخت پاداش پایان خدمت فرهنگیان بازنشسته، سازمان دادن به وضعیت رفاهی معلمان و نیازمندی های مدارس و رسیدگی به امور آموزش و تحصیلاتی دانش آموزان مورد عنایت ویژه دولت و مجلس قرار گیرد. برخورداری از بیمه کامل خدمات درمانی و بیمه تکمیلی و همچنین برخوردار بودن معلمان از امنیت شغلی و صنفی از دیگر خواسته های به حق فرهنگیان ایران است.
رئیس جمهور محترم جناب آقای رئیسی!
در مجالس گذشته و دولت های گذشته آنچه بیشتر از همه به گوش رسیده، مشکلات، تنگناها و مشقات بر سر راه دولت و عدم همراهی مجلس با دولت (و بالعکس) در زمینه ی هموار کردن این مشکلات بوده است. دولت محترم و مجلس انقلابی در شعارهای انتخاباتی وعده های بزرگی در جهت رفع مشکلات آموزش و پرورش داده اند. انتظار می رود در عملکرد نیز رضایت اجتماعی را به مردم هدیه دهند. یکی از بزرگترین مطالبه گران از دولت و مجلس در این سالها فرهنگیان بوده اند.
اکنون که روحیه ی همدلی، همراهی و همکاری در تمامی ارکان اصلی و اساسی تصمیم گیری، قانونگذاری و اجرایی کشور وجود دارد انتظار می رود دولت و مجلس با ایجاد بستری نو از تسهیلات کاری و رفاهی، انگیزه از دست رفته برخی از فرهنگیان را به آنها بازگردانند. بی انگیزه بودن فرهنگیان، مهمترین مسئله دردناک آموزش و پرورش است که می توان آن را نمودی از بحران زدگی این دستگاه بنیادین تعلیم و تربیت دانست...
طرح رتبه بندی معلمان یکی از پیوست های اصلی سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش است که از آن می توان به عنوان مطالبه ای قانونمند و به حق در راستای ارتقای کیفی تعلیم و تربیت و همچنین تأثیرگذار در وضعیت معیشتی معلمان یاد کرد. این طرح با هدف ارتقای منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه ای منابع انسانی و با تأکید بر نقش معلمان و به عنوان ریلی برای توسعه به تصویب رسیده است.
همه عظمتی که در تربیت است بر عهده و به پشتوانه شغل معلمی است. لذا باید به گونه ای عمل شود که این شغل به بهترین وجه در جامعه مورد تکریم قرار گیرد. اجرایی شدن این مطالبه دیرینه فرهنگیان نیاز به عزم جدی دولت و مجلس انقلابی دارد.
...تصویب طرح (کامل و نه به صورت نیم بند) رتبه بندی معلمان با فوریت و پیگیری تایید آن در شورای محترم نگهبان، بخشی از مطالبات به حق و جدی معلمان شریف و زحمت کش کشور می باشد که از شما و دولت محترم انتظار دارند. معلمان کشور خواستار هستند که اقداماتی جدی و عملی در این راستا صورت گرفته تا به دور از شعار درمانی دورنمای روشنی در افق اجرا را شاهد باشند.

دبیر دلسوز بوشهری



محمد تقی واعظی فرزند حجت الاسلام علی اکبر و شهربانو، زاده: پنجم مهرماه ۱۳۱۹ متولد جهرم ـ ساکن بوشهر، دارای مدرک تحصیلی لیسانس ریاضیات از دانشگاه تهران در تاریخ ۱۳۴۲ به استخدام آموزش و پرورش در آمد و در مجموع ۴۲ سال در درآموزش و پرورش خدمت کرد.
وی دوره ابتدایی را در دبستان های ادیب و دهبان و دوره متوسطه را در دبیرستان خواجه نصیر جهرم به تحصیل پرداخت.
واعظی از دبیران به نام دبستان و دبیرستان های سعادت و شریعتی بوشهر بود که البته بیشتر این دوران را در دبیرستان سعادت به تدریس درس ریاضیات و فیزیک مشغول بود. همسر ایشان حاجیه مهوش زارعی آموزگار مدارس بوشهر و فرزندان ایشان وحید واعظی کارمند دانشگاه، ویدا واعظی دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه و وفا واعظی پزشک، هستند.



برای این استاد بزرگوار که سهم بزرگی در پیشرفت علمی فرزندان این دیار داشته اند آرزوی طول عمر همراه با سلامتی و نشاط داریم.

(از فیس بوک، دبیرستان سعادت بوشهر)

ورزش و نشاط بخشی اجتماعی

علیرَضا حق پرست



بهتر است نوشته ام را با چند خطی از کتاب جاودان یاد صدر آغاز کنم؛ {به همین دلیل در پاسخ کسانی که می گویند «تمامش کن»، جمله ی دوروتی سوله، نویسنده آلمانی را تکرار می کنید، جمله ای را که در پاسخ کسی که پرسیده بود «چه جوری به یک بچه خوشبختی را توضیح می دهی؟» گفت؛«خوشبختی را توضیح نمی دهم. توپی جلوِ پایش می اندازم و می گویم با آن بازی کن.» فوتبال استعاره ای برای توضیح و توصیف شده. بهانه ی توجیه خیلی چیزها.خیلی حرف ها. خیلی آرزوها.}
و چه پاسخ روان شناسانه و جامعه شناختیِ کاملی بیان کرده انگار دنیایی حرف و حکایتَ در آن گنجانده شده تا راز و رمز نشاط و زیست و زندگیِ امیدوارانه را اعلام کند!
به عنوان مثال با نتایج اخیر ورزشکاران ایران در مسابقات کشتی آزاد جهان و یا درخشش پیوسته ی مهدی طارمی،شور و نشاطی یکپارچهَ و سراسری کشور را فرا گرفته و ایران و ایرانی غرق در شادی و شعف، لحظاتی را به دور و بدون از دغدغه ها و گرفتاری های روزمره سپری نموده و خوش می گذرانند.در هر کوی و برزن،خانه و محل کار و...حرف و سخن از بُردها و پیروزی های شیرین و تاریخیِ ورزش ایران می شود!
این شاید یکی از بهتِرین و تأثیرگذارترین مؤلفه ها و مشخصه های ورزش است که می تواند بار و فشار روانی و توان احساسی، هیجانی جوامع را به سمت وسوی نشاط بخشی و امیدواری اجتماعی سوق دهد!

زندگی نامه دکتر جعفر حمیدی در مصاحبه با نسیم جنوب (۲):

سال نهضتی در بندر بوشهر



قضیه خواستگاری رفتن پدرم

کلاس سوم دبستان بودم که جوانی (به نام احمد عبیدو) به پدرم که بزرگ محل بود مراجعه کرد که برایش به خواستگاری برود. اتفاقا خانه صفیه دختر حسین به خانه ما نزدیک بود. من کلاس سوم دبستان و بسیار کوچک جثه بودم شبی که پدرم به خواستگاری رفت مرا با خود برد. در خانه عروس آینده از ما پذیرایی کردند و سرانجام پدرم مسئله را در میان گذاشت و خواستگاری صفیه را برای احمد عبیدو اعلام نمود. خانمجان مادر دختر گفت: «بوی، مو دختر بدم سی احمد عبیدو بیکاره؟ هرگز».
پدرم اصرار کرد که جوان خوبی است، کار می کند و زندگیشان را اداره می کنند. دوباره مادر دختر گفت: «ابدا».
بعد از اصرار زیاد گفت پس حالا که به او نمی دهید، صفیه را به خودم بدهید که کارمند اداره ام (با این که پدرم زن و سه فرزند داشت که یکی هم من بودم) خانم جان گفت: «باشه خودت کارمند دولتی و حقوق ماهانه داری پس صفیه را به تو می دهیم».

وعده ازدواج دوم پدرم

وقتی به خانه برگشتیم پدرم موضوع را با مادرم در میان گذاشت ولی مادرم قبول نمی کرد. عاقبت پدرم گفت: «اجازه بده با صفیو ازدواج کنم، تو و فرزندانت را به خراسان به پابوس امام رضا می برم». این حرف که زد مادرم که خیلی ساده دل بود، پذیرفت و یک هفته بعد در هنگام شب، عروس به خانه ما آمد. من خیلی بچه بودم و چیزی حالیم نبود فقط دیدم وقتی عروس آوردند مادرم در اتاق دیگر غش کرد و زنان همسایه آب به صورتش می زدند. بعد از آن هر روز در خانه ی ما دعوا بود. پدرم شش سال زن دوم داشت اما ما زندگی بسیار ناخوشایندی داشتیم، زیرا هر روز در خانه جنگ و جدال بود و آن زن بیچاره هم زندگی فلاکت باری داشت تا سرانجام بعد از شش سال پدرم از آن زن جدا شد و او زندگی تازه ای با مرد دیگری آغاز کرد و صاحب چندین فرزند شد.

سفر مشهد

در سال ۱۳۲۴ پدرم مطابق قولی که داده بود، مادرم و همه ما را به سفر مشهد و زیارت امام رضا برد. این سفر که با ماشین، اتوبوس، سواری یا کامیون استودوبیکر انجام گرفت با رفت و برگشت و مدت توقف یک ماه طول کشید.
قبلا مدت سه شبانه روز چاوشی خوان در خانه ما چاوشی می خواندند و همسایگان و بستگان می آمدند و غذا می خوردند و به پدر و مادرم زیارت قبولی می گفتند. سفر بسیار خوبی بود هر چند که من حدود ۹ سال و برادرم ۷ سال داشتیم.
هنگام بازگشت از مشهد، یک استودوبیکر که در سال های پس از جنگ و باقی مانده از جنگ در ایران فراوان بود، اجاره کردند از مشهد تا بوشهر. در قسمت بارکش کامیون چادر دار. به نظرم جمعا چهار یا پنج خانواده جمعی بودیم که تا آن جا که یادم هست همسفرمان، زنده یاد حاج محمد حسین قیصی زاده و همسر و فرزندانشان، حاج ابوالقاسم پورنجفی و خانواده و فرزندنشان و دو خانواده دیگر بودند که با خانواده ما جمعا پنج خانواده بودیم، بالای کامیون سرپوشیده تا بوشهر آمدیم و آن زمان سختی این کار نمی دانستیم.
هنگامی که به بوشهر رسیدیم باز هم طبق معمول همسایه ها و دوستان به زیارت قبولی می آمدند و ظهر و شب، شام و ناهار دایر بود.

شروع جنگ نهضت جنوب ایران

در همین زمان بود که جنگ نهضت جنوب ایران بین سربازان و امنیه های دولتی آغاز شد و تنفگچی های تنگستانی و مناطق دیگر آمدند و در طول هفت شبانه روز در پادگان ژاندارمری که آن زمان در آخر محله سنگی یا در محله ی نیدی قرار داشت و محل تمرکز تفنگچی ها هم در محلی که به عمارت «ایزدی» مشهور بود و رو به روی گردان ژاندارمری قرار داشت، جنگ درگرفت.
مدت هفت شبانه روز تیر و تفنگ ادامه داشت. آن زمان ما بچه بودیم و با خانواده در پشت بام می خوابیدیم، شب گلوله های تفنگ و مسلسل که به سوی شهر در حرکت بودند از بالای سر



ما می گذشتند و آسمان را روشن می کردند. بالاخره جنگ تمام شد و بوشهر به تصرف نیروهای تفنگچی در آمد.
رییس پادگان ژاندارمری به نام سرگرد آراسته یک هفته مقاومت کرد و سرانجام شکست خورد. پس از تصرف بوشهر، رئیسعلی چه پیری (تنگستانی) به ریاست شهربانی، رئیس عبدالحسین بنه گزی به معاونت شهربانی و فتح الله خان حیات داوودی به عنوان استاندار بوشهر انتخاب شدند. می گفتند این نهضت و سایر اغتشاش های سایر شهرستان ها به تحریک نخست وزیر وقت ایران (قوام السلطنه) ترتیب یافت تا بهانه ای یابد برای استرداد پول های ایران که در نزد روس ها بود و در هنگام تسلط روس ها بر آذربایجان، با خود به روسیه برده بودند و گویا این سیاست قوام السلطنه که برای ثابت کردن اغتشاش داخلی به روس ها و مشکلات داخلی و نشان دادن این که ایران خود گرفتاری بسیار دارد، نتیجه داد و پول های ایران سرانجام از روسها پس گرفتند. ناگفته نماند که هنگام تسلط تنگستانی ها و حیات داوودی ها بر بوشهر، نظم و انضباط بسیار بر بوشهر و امنیت در تمام نقاط استان وجود داشت. دزدی و کارهای خلاف در بوشهر انجام نمی گرفت.

غزل

سیاوش دهقانی

آواز من و زنجره و بادِ خزانی
یک زمزمه در گوش تو شاید که بمانی

بر رودِ نگاهِ تو شناور شده یک سیب
جوری که به چشمان تو بودیم زمانی

جز از تو و باز آمدنت هیچ نگوییم
گفتیم من و آتشِ شومینه بدانی

نی آن که دل انگیز تر از آن که تویی هست
آن کس که چو من شیفته گردد ابدا نی

گر آمدی و مُرده بُدم گو بنویسند
کاین قبر فلانی ست و عاشق به فلانی

امید غضنفر از سینما تا شعر با «سینماشعر»

«سینماشعر» عنوان کتابی‌ست که به تازگی به علاقه‌مندان ادبیات عرضه شده و آخرین سروده‌های امید غضنفر شاعر مطرح هم‌استانی را در بر دارد.
شعرهای این مجموعه شامل ۴۶ سروده در سه بخش با عناوین «به وقت قرنطینه»، «تغزل سپید» و «سینماشعر» جای گرفته است.



همان‌گونه که از نام بخش‌های کتاب بر می‌آید در سروده‌های بخش اوّل و دوم، دوران خاص پس از همه‌گیری ویروس کرونا و ایجاد محدودیت‌ها و تنهایی‌ها و دلتنگی‌ها بازتاب یافته و بخش سوم نیز با الهام از فیلم‌های مطرح تاریخ سینمای ایران و جهان سروده شده که به صورت ظریف و هنرمندانه، به موضوعات تأثیرگذار و دیالوگ‌های معروف این فیلم‌ها در شعر اشاره شده است.
«سینماشعر» دارای ۸۹ صفحه، شمارگان ۵۰۰ جلد و قیمت ۴۰ هزار تومان توسط انتشارات نای‌بند بر روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار گرفته است.
«سینماشعر» سومین مجموعه شعر امید غضنفر پس از «بی‌باتویی‌ها» و «فریم‌های شهر نگاتیو» است.
شما خوانندگان گرامی را به خواندن چند شعر کوتاه از این کتاب دعوت می کنیم:

لحظه‌کشی
در هفت شباشب جمعه
سومین دشواری
بعد کار معدن
دوست داشته شدن

***

بودن / نیمی / خاطره‌سازی / نیمی خاطره‌بازی

***



کودکی
بادبادکی
تکه‌تکه
در باد
جوانی
سیاوشی سوخته
در بستر خاک
به زندگی
پیر رسیدیم
«همه‌ی عمر
دیر رسیدیم»

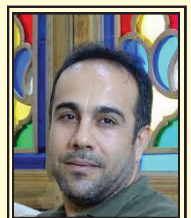
هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
صندوق پستی: ۱۱۹۹ لیتوگرافی و چاپ: کارگر



یادی از معلمان بوشهر در روز جهانی معلم



عبدالخالق ماجدی

۵ اکتبر روز جهانی معلم بود. می خواهم در این نوشته از دونفر به صورت ویژه یاد کنم:

ما دبیرستان شریعتی بوشهر درس می خواندیم. دبیرستان قدیمی سعادت به عنوان میراث فرهنگی کشور، یک دبیر ریاضی داشت که من همیشه آرزو داشتم ایکاش دانش آموزش بودم؛ مرحوم جمشید همت آبادی!

سواد و تسلطش به مباحث جبر و هندسه کم نظیر بود. امروز پیش دوست عزیزی از مرحوم همت آبادی یادی کردیم. به دلایلی آقای همت آبادی از آموزش و پرورش اخراج شد. دوستم که از نزدیکان مرحوم بود تعریف می کرد که پس از اخراجش یک بار که مهمانش بوده دیده که علی رغم این که بخاطر تدریس خصوصی مرحوم وضعیت مالی بسیار خوبی پیدا کرده بود بسیار ناراحت و دمق هست! دوستم علت ناراحتیش را می پرسد. مرحوم همت آبادی جواب داده بود: زندگی فعلیم از درآمد ثروتمندان بوشهری و تهرانی بابت آموزش خصوصی ریاضی تامین می شود ولی ناراحتم قبلا که دبیرستان درس می دادم هرسال بخش عمده ای از دانش آموزانم که فرزندان فقرا و مستمندان بودند کنکور رتبه های خوبی می آوردند و سالهای بعد که شغل و منزلت خوبی پیدا می کردند با دیدنشان لذت می بردم و خستگی کار از تنم بیرون می رفت ولی الان دسترسی و امکان خدمت به این قشر را ندارم و به جای فرزندان فقرا مشغول تدریس به فرزندان ثروتمندان هستم.

دوستم علت ناراحتی مرحوم همت آبادی را به رییس حراست و گزینش اداره کل آموزش و پرورش منتقل می کند و خوشبختانه پس از مدتی کوتاه دوباره امکان تدریس در دبیرستان برای مرحوم مهیا می شود.

روح بلند و دغدغه اجتماعی مرحوم همت آبادی و دیگران معلمان نسل ما قابل ارزش گذاری و زینت بخش کارنامه شغلی آن عزیزان بود.

در دوران دبیرستان آقای مجید ابراهیمی (عکس



مقاله) جزو کادر دفتری مدرسه بود. تقریبا با همه ما رفیق بود. از برادر هم به ما نزدیکتر بود و هر وقت مشکل آموزشی و متفرقه داشتیم با مجید مطرح می کردیم. آچار فرانسه مدرسه بود. الان هم هرجا معلمان بازنشسته محفل و برنامه ای دارند مجید ابراهیمی کارگردان اصلی هست و بار همه چیز را به دوش می کشد.

در تجلیل ها و یادبودها معمولا اسامی کادر دفتری فراموش می شود خواستم در این جا از مجید ابراهیمی و آقایان حمید قربانی، محمد علی سینگر، آقای علیزاده و احمد بادساز و آقای هاشمی فراش مدرسه یاد و تاکید بکنم که شما بزرگواران در تک تک لحظه های زندگی ما حضور دائمی دارید و قدردان شما هستیم.

پنجره دیگری

یونس قیصی زاده



- یالوم روانشناس شهیر در یکی از خاطراتش از دختری یاد می کند که همه دوران نوجوانی او صرف درگیری طولانی و تلخی با پدرش شده بود تا این که برای ثبت نام در کالج با وی همراه می شود به امید این که این مسافرت فرصتی باشد برای ایجاد یک رابطه صمیمانه و پر نشاط با پدرش. ولی سفری که به نظرش مهمترین فرصت بازسازی روابط شان بود، فاجعه بار شد چرا که پدرش در تمام مدت رانندگی در جاده، از رودخانه پر از زباله کنار جاده ایراد می گرفت در حالی که دخترک در نهر زیبای کنار جاده که از روستا می آمد هیچ زباله ای نمی دید. نتیجه این سفر سکوت دختر بود و گوش دادن به ایرادهای پی در پی پدر.

تا این که چندی بعد، دختر همان مسیر را به تنهایی رانندگی کرد و این بار با شگفتی متوجه شد که در هر دو سوی آن جاده، یک رودخانه روان است اما سمت پنجره راننده، رودخانه همان طور که پدرش توصیف کرده بود، زشت و پر از زباله بود. این بار دختر از پنجره پدر به بیرون نگریسته بود، گرچه خیلی دیر شده بود و پدرش در گور آرامیده بود.

- این توصیه «نگریستن از پنجره دیگران به اوضاع» امروزه در بحث های روانشناسی اهمیت زیادی پیدا کرده، به طوری که تاکید می شود در ارتباط و مواجه شدن با مسائل و مشکلات دیگران سعی کنیم از پنجره آن ها به بیرون نگاه کنیم و اوضاع و احوال را از نگاه آن ها ببینیم.

وقتی عضوی از خانواده، اقوام، دوست و یا همکاری ما را برای شنیدن و درد دل کردن درباره مسائل و مشکلات و اوضاع زندگی اش انتخاب کرده، خودش بهتر از ما به وضعیتی که در آن گرفتار شده، مطلع است و قرار نیست ما نیز با «همدردی» با وی، این شرایط وخیم را موشکافی کنیم و یا بدتر این که با ردیف کردن خاطرات دردناک و تجارب آزار دهنده و بیان سختی های زندگی امان، نشان دهیم که وضعیت کنونی زندگی ما وخیم تر و قابل ترحم انگیزتر هست و یا با رفتاری حاکی از ترحم و دلسوزی، حس تحقیر شدن را در فرد مقابل ایجاد کنیم.

- چند دهه پیش، کارل راجرز روانشناس مشهور، سه اثر «همدلی»، «توجه مثبت بی قید و شرط» و «خلوص» را از ارکان اساسی موفقیت درمانگران دانست.

شاید در ارتباط با دیگری نیاز باشد تا این توانایی را پیدا کنیم تا از پنجره وی به اوضاع و احوال بنگریم و با «همدلی» با وی از خود و باورهایمان جدا شویم و خودمان را بگذاریم جای آن فرد، با توجه و احترام و بدون قضاوت، سعی کنیم سخنان وی را از دیدگاه خودش بشنویم و توجه مثبت و نامشروط خود را نثارش کنیم و بدین طریق وارد دنیایش شویم و درک کنیم چرا چنین احساس یا رفتاری دارد تا سپس نظرات خود را با خلوص تمام، با وی در میان بگذاریم.

- روابط و دوستی های بین فردی مهم هست، برای حفظ این روابط اهمیت قائل باشیم و به سادگی طناب رابطه را پاره نکنیم. شاید نیاز باشد از پنجره دیگری هم به اوضاع و احوالی که رخ داده، نگاه کنیم.

برگزاری کارگاه روزنامه نگاری دانشجویی در دانشگاه پیام نور بوشهر



کارگاه روزنامه نگاری دانشجویی با حضور جمعی از دانشجویان علاقمند در دانشگاه پیام نور بوشهر برگزار شد.

دکتر محمد رضا بحرانی رئیس دانشگاه پیام نور بوشهر در افتتاح این کارگاه در سخنانی کانونهای علمی دانشجویان را محلی برای پربار کردن دوران تحصیل دانشجویان دانست و اظهار داشت: فعال بودن کانون ها و انجمن های علمی دانشجویی باعث پویایی دانشگاه و محلی برای تجربه و علم اندوزی دانشجویان می شود که دانشگاه پیام نور نیز از این کانونها و فعالیت های آنها حمایت می کند.

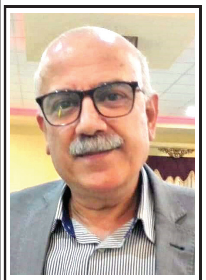
وی افزود: نشریات دانشجویی جایگاه خوبی برای انعکاس فعالیت های علمی و غیر علمی دانشجویان هست و باید تلاش کرد تا این نشریات رشد کرده و به کیفیت مطلوبی برسند و برگزاری کارگاه روزنامه نگاری دانشجویی در همین راستا می باشد.

در ادامه یونس قیصی زاده مدرس این کارگاه، ضمن تشکر از ریاست و مسئولان دانشگاه پیام نور برای برگزاری این کارگاه اظهار داشت: نشریات دانشجویی محل کشف و پرورش استعدادهای دانشجویی و بیان دیدگاه ها و نظرات مختلف دانشجویان است و ارتقای کیفی آنها می تواند نشریات قوی و حرفه ای را جهت دفاع از حقوق دانشجویان ایجاد کند و زمینه ارتباط بیشتر آنها را با مسائل جامعه بوجود بیاورد.

محمد امین نوشادی دبیر سابق انجمن علمی دانشجویی روانشناسی دانشگاه پیام نور بوشهر درباره برگزاری این کارگاه گفت: با همت این انجمن و همکاری مدیریت دانشگاه، کارگاه روزنامه نگاری دانشجویی با حضور جمعی از دانشجویان پیام نور بوشهر از رشته ها و گرایش های مختلف به صورت حضوری و با پخش زنده در فضای مجازی با حضور برخط دانشجویان پیام نور سراسر کشور به مدت دو روز در محل این دانشگاه در بوشهر برگزار شد که مورد استقبال دانشجویان قرار گرفت.

خاطره ای از سالهای دور بوشهر

مراسم روز آخر صفر در بوشهر



هاشم هاشم زاده

هرسال دهه اول محرم، صبح ها مراسم روضه خوانی در بوشهر در منزل سید موسی احمدی -که در محله بهبهانی قرار داشت- آغاز می شد و قبل از ظهر روز عاشورا به پایان می رسید. هرچند حضار در طبقه بالا روی فرش می نشستند، در حیاط اما حاضرین ازکرسی های چوبی کوتاه استفاده می کردند. تقی پروانه که مسئولیت توزیع چای آن هم در سینی های ورشو تک نفره را برعهده داشت، آن چنان با احترام، ظرافت و لبخند کار را انجام می داد که حتی آنانی که اهل چای نبودند نیز به خود اجازه نمی دادند چای را رد کنند.

در روز آخر دهه اول محرم، اوائل حلیم خانه پز و بعدها دهه ۳۰ شمسی، ابودرده آش رشته پخت و در پایان مراسم بین خانم ها و آقایان شرکت کننده توزیع می گردید.

دهه آخر صفر، بعدازظهرها نظیر چنین مراسمی در منزل سید عیسی احمدی (برادر کوچکتر سید موسی) که آن زمان در عمارت حاج رئیس واقع در کوی شنبدی، سکونت داشتند، برگزار می شد.

روز وفات پیامبر، رنگینک توزیع می گردید. روز آخر صفر نیز شربت آبلیمو،که توسط کل محمد آغا (کربلائی محمد حیدری) ساخته میشد، در کنار قهوه و چای پای منقلی در استکانهای کمرباریک سرو می گردید.

در روز آخر، پس از پایان مراسم و بهنگام برگشت به خانه ها، مردم با تعویض لباسهای مشکی، با محرم و صفر وداع می کردند.

نکته جالب این بود که آن دو ماه سوگواری، از منزل سید موسی احمدی آغاز و در منزل سید عیسی احمدی پایان می یافت.

یاد آن دو عزیز و شرکت کنندگانی که دیگر در میان ما نیستند - بویژه شادروان رسول احمدی بزرگوار- گرامی باد.

این دو مراسم، قبل از آن در منزل برادران: سید احمد و سید حسن احمدی (که تا پیش از تاسیس سازمان احصائیه و سجلات، آمار و ثبت احوال بعدی به دستور رضاشاه و صدور شناسنامه به سال ۱۳۰۴ به بهبهانی معروف بودند) برگزار می گردیده که پس از فوت آنان، توسط مرحومان سیدموسی و سیدعیسی (فرزندان مرحوم سیدحسن) دنبال شده است.

ضمنا تا آن جا که یادم می آید روضه خوان اصلی مراسم، شادروان سید ابوالمکارم بلادی بود.